

حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

دوشنبه ۳۱ سرطان ۱۳۶۴
July, 22, 1985
سال پنجم شماره ۲۷۳
شماره مسلسل ۱۱۸۴
سال تاسیس ۱۳۵۹

تدویر جلسهٔ نوبتی بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا

جلسهٔ نوبتی بیروی سیا سی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغا نستان در مقر کمیته مرکزی حزب دمو کرا تیک خلق افغا نستان دایر گردید.

در جلسهٔ بیروی سیا سی کمیته مر کزی حزب دمو ـ کراتیک خلق افغا نستان چگونگی تطبیق مصو بهٔ مورخ ۲۱ر۱۰ر ۱۳۶۲ بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغا نستان درباره توزیع منازل مسکونی دولتی ونمرات زمین برای اعمار خا نه ها به اها لی شهر کابل بر اساس معیار های عادلانه مطرح بحث قرار گر فت .

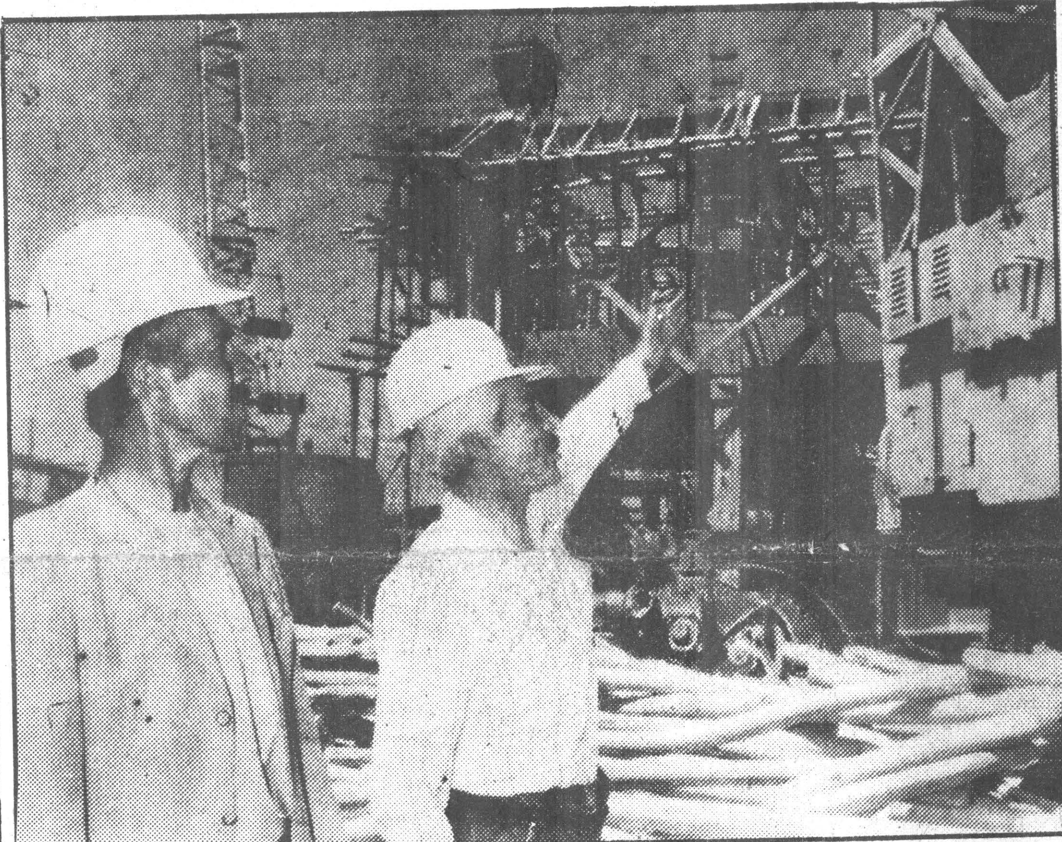
در جلسهٔ بیروی سیا سی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغا نستان خا طر نشان گردید که حل تدریجی معضلهٔ مسکن برای همو طنان مایکی از اهداف با اهمیت انقلاب ثور میباشد . دولت جمهوری دمو کراتیک افغا نستان در جهت اعمار خا نه ها و منازل مسکو نی برای کار گران و سا یر زحمتکشان کشور وبهبود شرایط رها یشی مردم تدا بیر جدی را روید ست گر فته است .

در حال حا ضر توزیع عادلانه منازل مسکو نی دولتی و نمرات زمین گام اولی مهمی را بسود زحمتکشان تشکیل میدهد . تطبیق پلانها ی آینده درعرصه ساختمان ، امکانات واقعی رفع بیخانگی و عصری نمودن ساختمان های مسکونی رابوجود میاورد . هدف حزب دمو کراتیک خلق افغا نستان رفاه مردم ماست ، تحقق این هدف منجمله با حل معضله مسکن ارتباط ناگسستنی دارد.

طی سالهای بعد از انقلاب ثور تنها در شهر کا بل بیشتر از ۴۰۰۰ اپار تمان مسکو نی اعمار و در حدود ۲۳۰۰۰ نمره زمین جهت اعمار منازل به همشهر یان تو زیع گردیده است .توزیع عادلا نه مناز ل مسکو نی و زمین همچنان ادامه دارد .

بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیک خلق افغا ـ نستان کار کمیسیون موظف در زمینه بر رسی و توزیع منازل مسکو نی دولتی راقنا عت بخش ارزیا بی نموده و به ارگانهای مسوول وظیفه سپرد تا مقررهٔ را بخا طر بهبود هر چه بیشتر این مو ضوع تنظیم نما ید .

در جلسهٔ بیروی سیا سی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغا نستان روی یک سلسله مسا یلی مبرم دیگر تصامیم اتخاذ گردید .



باشی طاهر و محمد عالم دوتن از کارگران ور زیده وفعال شعبهٔ سیم تابی دستگاه ساختمانی افغانی .

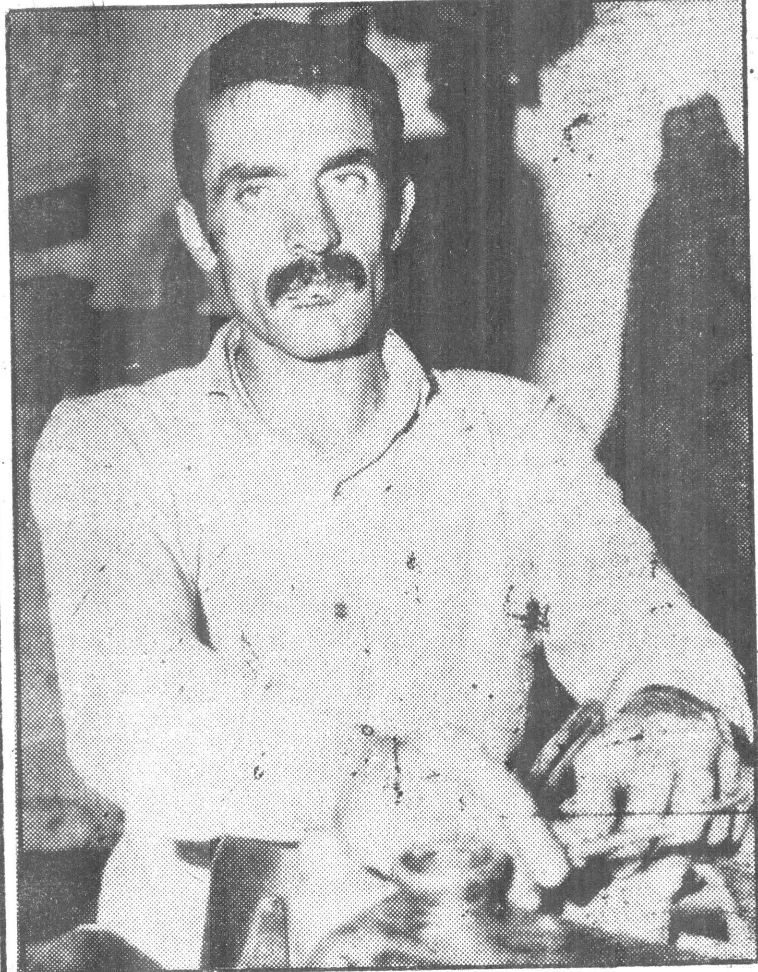
تلگرام تبریکیه

از طرف رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مر کزی حزب دمو کرا تیک خلق افغا نستان ورئیس شورای انقلابی ج.د.ا ورفیق سلطانعلی کشتمند رئیس شورای وزیران ج.د.ا تلگرا م تبر یکیه بمنا سبت چهل و یکمین سا لگرد استقلال جمهوری مردم پو لند عنوانی رفیق ویچیخ یاروز لسکی منشی اول کمیته مر کزی حزب متحد کار گری پو لند و رئیس شورای وزیران جمهوری مردم پولند ورفیق دوکتور هنریک یابلو- نسکی رئیس شورای دولتی جمهوری مردم پولند به وارسا مخابره شده است .

در پیام آمده است که سفر دوستا نه هیات عا لیر تبه حز بی و دولتی جمهوری دمو کراتیک افغا نستان به کشور برادر پو لند دوستی عنعنوی و همکاری های متقابلا مفید بین دو کشور را بسطح عالیتری ارتقاء داده است .

درپیام ضمن آرزومندی های نیک رهبران ج.د.ا برای رفاه و سعادت هر چه بیشتر خلق برادر پو لند اظهار یقین شده است که دوستی و همکاری های متقا بل برادرا نه بین ج.د.ا و جمهوری مردم پو لند بنفع خلقهای هر دو کشور و صلح و امنیت بین المللی در آینده نیز انکشاف واستحکام مز ید خوا هد یا فت .

لبخند پیروزی



((صبح بود ، همه جا را آفتا ب در آغو ش کشیده بود ، من در صنف نشسته بی آنکه متو جه باشم ، معلم چه م ی گو ید ، با خود اند ـ یشه می کرد م ، کا ش پدرم ما نند کاکا یم صا حب یک کار منا سب می بود ، کا ش ما هم صا حب خا نه وزند گی خو ب می بود یم ، چهر ه خشک ، آفتا ب خورد ه و دستا ن پر آبله که همه روزه با آن از کو ه سنگ می آورد در نظر م مجسم گردید. با وجود یکه کود کی بیش نبود م ، اما بسیا ر گپ ها ی زند گی را میدا نستم ، می دا نستم که چرا کاکا یم پدرم را برای انجام کارهای دشوارش استخدام کرده بود .

آنهم به خا طر آ نکه ، در خا نه اش ز ند گی می کرد یم و لقمه نا نی که نیم شکم ما را هم سیر نمی کرد برا ی ما میداد ، در همین چر ت غر ق بود م که ناگهان صدا ی هیبت نا کی صنف را لرزا ند ، همه در جا ها ی شا ن جنبید ن ، معلم گفت ، آرا م باشید ، سر نگ بود، دو بار ه همه مصرو ف درس شد ند ، من به پدر م فکر می کردم که در کوه با سا یر کار گران کار میکرد فکر کردم پدر م را چیز ی نشد ه باشد این اند یشه ها مرا سخت تحت تا ثیر آورد . دلتم می خوا ست گر یه کنم . کسی باشد که حر ف ها ی دلم را برا ی او بگو یم ، نا ـ گها ن صدا ی پا ی ازدهلیز شنیده شد مستخدم مکتب بود ، دا خل صنف شد . پرسید عبد البصیر کیست ؟ کسی آمد ه کار ش دار ه . وار خطا شد ه از جا یم بلند شد م ، از معلم اجاز ه گرفتم رفتم ، کسی که به مکتب آمده بود یکی از دوستان مابود، همرا ی او به طر ف خا نه روا ن شد م . نمی فهمید م چی گپ است او هم گپ نمیزد من اصرا ر می کرد م . اما او چیز ی نمی گفت به خا نه رسید یم ، مرد م زیاد جمع شد ه بود ند . پدر م ... چه می دیدم غرق در خون بود آنروز درد نا ك پدر م برای همیشه به خوا ب رفت و ما را تنها گذاشت)).

(ص ۲)

اعترافات تروریستان حرفوی

(ص ۶)

ده ها هزار نفرین بر امپریالیزم

میتنگ و مارش با شکوه زنان شهر کابل

دیروز در شهر کابل میتنگ و مارش با شکو ه زنان کشور بر پا شد . جاد ه های شهر از فریاد رسای زنا ن افغا ن انبا شته بود .هزاران تن از زنا ن ز حمتکش کشور ما که در چهار راهی آر یانا صف بسته بودند مدا خلا ت ارتجا ع وامپریا لیز م وجنایات ضد انقلاب و حشی را علیه مردم ز حمتکش ما محکو م کردند .

دراین میتنگ که به دعوت سازما ن دموکرا تیک زنا ن افغانستا ن سازما ن یا فته بود، زنان از نواحی مختلف شهر کابل اشترا ك و رزیده بودند .

در این میتنگ زنی ازمیان شرکت کنند ه ها بیرون آمده چادر ی به سر داشت درباره اش گفتند :

«محمود ه کار مند و زارت تعلیم و تربیه که دو تن ا ز دوستانش را در حاد ثه انفجار بم در مار کیت مکروریان از دست داد ه است . » د ر ستیژ قرار گر فت بغض گلویش را می فشرددر حالیکه گریه مجالش نمیداد با مشکل ولی با صدا ی بلند شرو ع به صحبت کرد :

خواهرا ن ، مادران !

چند روزپیش در مار کیت مکروریا ن خانم برادر م که وظیفه معلمی داشت وخود ش زن حا مله بود همراه با بچهٔ دوازد ه ساله اش در اثر جنایت ضد انقلاب این وطن فرو شان که ریگن هم با بیشر می از آنها پشتیبا نی میکند جا ن های شیر ین خود را ازدست دادند .بچه چهار ساله اش در میدان ماند. هر روز صبح این کود ك معصوم مادر میگوید واین طا لما ن مادرش را با برادر ش که اول نمره مکتب بود و زند گی را دوست داشت از او گرفتند.

(ص ۲)



گو شهٔ از مارش اعترا ضیه دیروز ی زنا ن شهر کابل
عکاسی شریف لطیفی

بهبود ترکیب کیفی حزب

(ص ۳)

خیمه های صلح، نتایج مثمر

(ص ۴)

اعلامیه جمعیت العلمای خیبر ایجنسی

(ص ۶)

بار قرض کمرشکن

(ص ۷)

کنفرانس سرتاسری طب وقایوی

اولین کنفرانس سرتاسری طب وقایوی به منظور بهبود بنیادی فعالیت های عرضه خدمات صحی، تامین رفاه همگانی و صحت مردم قبل از ظهر دیروز در تالاروزارت صحت عامه گشایش یافت.

در آغاز این کنفرانس علمی رفیق عبدالمجید سربلند معاون شورای‌وزیران، طی بیانیه یی گفت به اثر توجه کمیته مرکزی‌ح.د.خ.ا و حکومت ج.د.ا، در کشور ما اساسات صحت عامه واقعاً مردمی بر بنیاد کمک های طبی مجانی و همگانی با به کار بردن پرنسیپ‌های عالی صحت عامه گذاشته میشود.

رفیق عبدالمجید سر بلند در رابطه به توسعه شبکه موسسات صحی تربیه‌کادر های ملی و بهبود خدمات صحی برای اطفال و زنان صحبت نمود.

بعداً نبی کامیار وزیر صحت عامه در رابطه به‌میتود های پیشرفته و علمی‌عرضه خدمات صحی در کشور و توسعه شبکه های پولی‌کلینیکی ستیشن های سنیتری ضد اپید یمیك و مراکز صحی صحبت کرد. گزارش علاوه میکند که همچنان در این محفل دوکتور کفیا زوف سرپرست نماینده‌گی سازمان صحی جهان در جمهوری دموکراتیك افغانستان وظفر الحنان نماینده اداره یونسف در کابل در رابطه به مساعدت های موسسات متذکره به‌جمهوری دموکراتیك افغانستان مطالبی ایراد کرده ضمن اظهار امتنان از تحقق پلان های همه جانبه صحی در جمهوری دموکراتیك افغانستان، موفقیت های مزید برای اشتراك کنندگان کنفرانس وقایوی را آرزو کردند.

توزیع اسناد ملکیت زمین

از آغاز تطبیق مرحله‌دوم اصلاحات دموکراتیك‌ارضی تاکنون بیش از نه هزار و هشتصد خانوار از دهقانان بی زمین و کم زمین ولایت جوزجان صاحب زمین شده و اسناد رسمی ملکیت زمین را بدست آورده‌اند.

یك منبع اداره زراعت و اصلاحات ارضی ولایت جوزجان گزارش میدهد در جریان سه ماه اول امسال کار تطبیق‌مرحله دوم اصلاحات دموکراتیك ارضی و توزیع عادلانه آب به مقایسه سال های گذشته در آن ولایت توسعه یافته ویکهزارو نهصدو شصت نفر.ازدهقانان بی زمین وکم زمین ولایت جوزجان‌طی‌این‌مدت‌اسنادملکیت زمین را بدست آورده اند.

نصب جنراتور جدید

یکپایه جنراتور دیزلی جدید اخیراً در فابریکه نساجی گلبهار ولایت کاپیسا نصب و طی مراسمی بکار انداخته شد.

در مراسیم که کارگران و کارمندان نساجی گلبهار اشتراك نموده بودند منشی کمیته حزبی‌ولایتی ولایت کاپیسا به ارتباط تجهیز بیشتر فابریکه نساجی گلبهار و نقش آن در ازدیاد تولید صحبت کرد.

یك منبع نساجی گلبهار گفت با نصب و بکار انداختن جنراتور دیزلی جدید به ظرفیت پنجصدو پنجاه کیلو وات‌برق تا اندازه‌زیادی نیاز مندی برق آن فابریکه مرفوع گردیده است.

باختر

ده‌ها هزار نفرین بر امپریالیزم



افغانستان بیانیه ایراد کرده و چنین گفت:

امروز زنان شهر کابل جمع آمده اند تا جنایات نابخشودنی ضد انقلاب راکه به مساعدت امپریالیزم و در راس امپریالیزم جنایتکار امریکا علیه مردم ما صورت میگیرد محکوم نمایند.

دریں روز ها که مردم آزاده وانقلابی ما غرق در شادی وسرور تصامیم لویه جرگه را عملی مینمایند وقوای مسلح قهرمان مادر رو شنایی تصامیم وفیصله های لویه جرگه تاریخی‌مردم افغانستان به پیروزی های نوین دست یافته اند ضد انقلاب به پشتیبانی امپریالیزم امریکا و دستیارانش به اعمال ضد انسانی علیه مردم ما دست زده بابمگذاری ها در محلات زیست وکار مردم اطفال،زنان‌ومردان بیگناه را از بین میبرند. اداره ریگن با این تلاش های تب آلود خویش می خواهد در برابر اراده مردم آزاده و انقلابی ما سد شوند در حالیکه آنان به‌خطا رفته اند. مردم آزاده وانقلابی افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیك خلق افغانستان در راس رفیق ببرك کارمل به مبارزه عادلانه خویش قاطعانه ادامه میدهند و تا پیروزی نهایی به پیش‌میروند.

امپریالیزم امریکا واداره رسوای ریگن امروز نه تنهادر برابر مردم ما به نبردخاینانه خویش ادامه میدهد، بلکه دشمن مردمان قهرمان نیکاراگوا، گرینادا، لبنان، فلسطین، السلوادورو سایر کشور ها و خلقهای که به خاطر خوشبختی میرزمند نیز میباشد.

طی این میتنگ پیام اعتراضیه زنان علیه مداخلات وتجاوزات امپریالیزم عنوانی ریگن قرائت گردید که در بخش از آن آمده است:

پیروزی های بزرگ که بعد از تدویر لویه جرگه ملی و تاریخی مردم افغانستان، نصیب خلق زحمتکش ما و نیرو های مسلح قهرمان ما گردیده است تو ریگن جنایت کار و نوکران حلقه بگوشات را در نده تر وو حشی تر از پیش ساخته است، ولی مرگ شما امپریالیست های دد منش امریکایی،عظمت طلبان مرتد چینایی‌و نوکران آدمکش شما در کشور ما نزدیك و نزدیك تر شده است. اعمال جنایتکارانه شما در قتل کودکان بیگناه زنان و پیر مردان ما نمایانگر ناتوانی، ضعف و ترس شما از پیروزی های‌ظفرآفرین‌انقلاب‌ثور است.

همچنان پیام اشتراك کنندگان میتنگ و مارش‌زنان عنوانی سر منشی ملل متحد نیز قرائت گردید که در بخش از آن چنین می خوانیم:

((ما مادران وزنان‌داغدیده و عذاب دیده جمهوری دموکراتیك‌افغانستان که‌فرزندان، کودکان، پدران و همسران خود را در اثر وحشیگری‌های باندهای خود فرو خته امریکا از دست داده ایم با قلب آگنده از نفرت و انزجار اعمال جنایتکارانه امپریالیزم امریکا ومزدوران ضد انقلابی آن را درجمهوری دموکراتیك افغانستان محکوم مینمائیم.

در پیام علاوه شده ما از حزب ودولت انقلابی و رهبر محبوب خویش ببرك کارمل پشتیبانی نموده از شما می طلبیم تا توجه سازمان پر اعتبار ملل متحد و اذهان‌عامه صلح دوست‌جهان را به‌خاتمه جنگ ننگین اعلام ناشده امپریالیستی و ارتجاعی بر ضد کشور ما افغانستان انقلابی وجنایات ضد بشری امپریالیزم امریکا و اداره بیشرم ریگن و باند های مزدوران جلب نموده نگذارید تا خون هموطنان بیگناه ما بیشتر از این ریخته شود))

در پایان این گرد همایی زنان اشتراك کننده‌درمیتنگ بسوی سفارت امریکا در کابل مارش نموده و فاصله چاراهی آریانا تا سفارت‌امریکا را با دادن شعار های مرگ بر امپریالیزم امریکا !نابود بادجنگ ! طی کرده و لحظهٔ در برابر سفارت امریکا توقف نموده و پیام‌اعتراضیه زنان علیه مداخلات وتجاوزات امپریالیزم عنوانی ریگن توسط چندتن از زنانی که عزیزان شانرا ضدانقلاب به شهادت رسانیده به آن سفارت پرتاب شد.

ح.ا.ث



مارش کننده‌گان با دادن شعار های مرگ برامپریالیزم وگماشتگان آن ،صدای‌اعتراض شانرا علیه اعمال جنایتکارانه ادارهٔ ریگن بلند کردند.

عکاسی ح.ا.ث

(بقیه ص‌اول)

این نامسلمانان از خدا نمی ترسند و مردم بی گناه را زنان را واطفال را میکشند لعنت بر ریگن ! لعنت بر این وحشیان !

کدام اسلام گفته که زنان حامله را بکش، نفرین براین آدمکشان که انسان های بیگناه را ازبین میبرند !

شما ببینید یك عمه بیوه چگونه طفل ما دری رابزرگ کند در حالیکه هرروز او مادر صدا میکند من مادرش رااز کجا برایش بیاورم اوقربانی جنایت ضد انقلاب شده، ضد انقلاب زیر خاکش کرده. دوستان عزیز نمی توانم‌گریه خودرا بگیرم وقتی او می گوید لباس هایم مثل مادرش است. ما از حزب و دولت انقلابی خود از قوای مسلح قهرمان و مردم خود می‌طلبیم که انتقام خون این بیگناهان رابگیرند. باوجود زن‌بودن حاضرم در هر جایی که لازم باشد بروم وانتقام‌خون شهدارا بگیرم.

شما با من بایك صدابگوييد، مرگ بر ریگن ! مرگ برامریکا!مرگ برضد انقلاب!

ما از خاك وحزب خود دفاع می کنیم. زنده باد ح.د.خ.ا، ! زنده باد رفیق ببرك کارمل ! زنده بادکارگران، دهقانان و جوانان! گریه مجالش نداد بیشترحرف بزند. نگاه های پراز تاثر حاضرین‌بسویش‌دوخته‌شده‌بود.

در آغاز این میتنگ یکتن از اعضای هیات رهبری سازمان دموکراتیك زنان

ردادعاهات بی اساس

ساعت ٤ بعد از ظهر دیروز شارژ دافیر سفارت پاکستان در کابل به وزارت امور خارجه احضار و مطالب آتی توسط مدیر شعبه اول سیاسی‌بوی‌خاطر نشان‌گردید

حکومت نظامی پاکستان بسلسله اتهامات بی اساس خویش علیه جمهوری دموکراتیك افغانستان باز هم ادعا نموده که گویا بتاریخ ۲۱ سرطان مطابق ۱۲جولای سالجاری مسیحی تجاوز فضایی در پاره چنار صورت گرفته و همچنان بتاریخ۲۵ سرطان مطابق ۱٦ جولای فیر های راکت به پوسته‌های امنیتی لندی کوتل صورت گرفته است که‌درنتیجه‌آن کدام خساره وارد نگردیده است حکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان بعد از تحقیق و بر رسی همه جانبه‌این ادعای حکومت نظامی پاکستان را عاری از حقیقت دانسته و آنرا قاطعانه رد مینماید و متذکر میگردد تا مقامات پاکستانی به این چنین افترا آت خویش که نتیجه بجز تشدید خرابی وضع در سرحدات ندارد خاتمه دهند.

پیوستن بدولت انقلابی

به ادامه پیوستن افراد فریب خورده که‌با اثرتبلیغات خصمانه باند های اشرار مدتی با آنها ارتباط داشتند اخیراً یك گروپ ۲٦ نفری‌که به نفع باند های آدمکش‌ضد انقلابی فعالیت مینمودند با درك حقانیت انقلاب خود را با سلاح های دست داشته شان به مقامات امنیتی‌ولایت جوزجان تسلیم نمودند.

باختر

لبخند پیروزی

(بقیه ص‌اول)

درحالیکه‌اشك‌در چشمانش‌حلقه زده بود و بغض گلویش را می فشرد، لبانش را جمع می کند، سرش را پائین می اندازد، دستهایش را که گواه کار توانفرسایی در زندگی اش است به هم میمالد و به سردی می گوید: ((زندگیم چنین آغاز شد.))

* * *

تا شش سال دیگر مادرم همراه دو خواهرم درخانه کاکایم کار می کردند، روزگاری پر مشقتی را می گذشتاندیم روز ها که از مکتب می آمدم، نان خوردن نبودکه من بخورم، مادرم جرات نداشت از نانیکه برای اولادهای کاکایم پخته می نمود برای من نگهدارد، من شکم خود را با خوردن توت سیر می نمودم، هیچ به خاطر ندارم که در آن وقت حتی یکروز هم شکم سیر خوابیده باشم، با وجود تمام‌سختی ها، من مکتب میر فتم درآغاز کاکایم نمی خواست که من مکتب بخوانم. با وجود یکه پسرانش همه در مکتب بودند، می خواست مرا هم مثل پدرم زیر دست خود نگهدارد. بالاخره تا صنف شش مکتب درس خواندم. مشکلات زیاد بود بیشتر از آن نتوانستم ادامه بدهم، از خانه کاکایم بیرون شدم و بار زندگی رامن بر شانه هایم گرفتم. دریك ورکشاپ شخصی ترمیم موتر که هفته ۳۰۰ افغانی برایم معاش میداد کار پیدا نمودم، سه سال در آنجا کار نمودم و سال ۱۳٤۲ بود که به اینجا آمدم و در شعبه ترمیم وسایط پترولی ریاست ترانسپورت و ساختمان شاروالی کابل مصروف کار شدم. سپس در حالیکه به نقطه دور دستی چشم دوخته بود ساکت شد، پس از لحظه بدون آنکه نگاهش را از آن دور و بر گرفته باشد گفت: ((در همین شعبه ایکه حالا استم، در همین جا به کار شروع نمودم، در آنوقت آمر شعبه نمی خواست من‌چیزی یاد بگیرم، روز ها مرا تحقیر و توهین می کرد. همیشه کلمات زشت و رکیك را نثارم می کرد، کلمات‌زشت او مانند ضربه آتشینی به مغز من فرو میر یخت و مرا رنج میداد. اما قدرت جوابش را نداشتم. مدت هشت سال را به همین ترتیب گذشتاندم، با وجود یکه زیاد کار می‌کردم. اما او مرا تشویق نمی‌کرد. زندگی چنین هم نماند. انقلاب شد و من چیز های نوی در زندگی خود یافتم.» وزندگی دیگرم چنین آغاز شد.

* * *

«باید کار می کردم و کار صادقانه تربیت کارگران، ابتکار و صرفه جویی در کار های روزمره ام به‌عادت مبدل شده بود.

هیچ یادم نمیرود زمانیکه در جلسه سرتاسری پیشروان کار در جمع سایر کارگران از موسسات مختلف شرکت نموده بودم در آنجا من صحبت گرم و رفیقانه کاز مل صاحب را شنیدم، بسیا رمهربان است، زحمتکشان و کارگران را دوست دارد ،زمانیکه از کار و زندگی ما کارگران تا قبل از انقلاب یاد آوری می کرد، اشك در چشمانش حلقه زده بود.

فردای آنروز تعداد زیادی از کارگران در تالار خانه علم و فرهنگ جمع بودند. به هر طرف که نگاه می کردی، کارگران جلب نظر می کرد که همه‌شان با دلهای شاد و چهره های بشاش از ابتکاراتشان با یکدیگر صحبت می نمودند و تعدادی آرام نشسته به طرف ستیژ چشم دوخته بودند. لحظهٔ بعد نام کارگران خوانده شد. نام مرا هم خواندند. دستانم عرق کرده بود، نامم را شنیدم ((عبدالبصیر کارگر ریاست ساختمان و ترانسپورت شاروالی کابل». چشمانم خیره شده بود، خود را با عجله به سر ستیژ رسانیدم مدال افتخاری کار دز سینه ام تعلیق گردید. نفس ام را تازه کردم دوباره به جایم نشستم، ذوق زده شده بودم، دلم می خواست زودتر به خانه بروم. به خانه آمدم، مدال رابه مادرم، به زنم به اولاد هایم نشان دادم، لبخند بر لبانشان هویدا شد و اشك در چشمان خانم و مادرم جاری شد، مادرم گفت: ((بچیم میدانستم که یکروز کار تو قدر می شود، از برکت انقلاب است که زحمتکشان و کارگران صاحب زندگی خوب شدند.)) حالی همیشه این مدال که تمام خوبی های زندگیم در آن جای دارد مشوق من است. فکر می کنم هنوز باید بیشتر کار کنم باید بجای سه چهار نفر کار کنم چرا که انقلاب ادامه دارد وقهرمانی ها نیز باید ادامه داشته باشد. کار و ابتکار نیزباید ادامه داشته باشد.»

فوزیه

زندگی حزبی، تجارب و پرابلمها

بهبود ترکیب کیفی حزب

تحکیم وحدت ایدیولوژیك و سازمانی حزب بطور اجتناب ناپذیر با غنای ترکیب کیفی آن ارتباط دارد.

تجربه نشان داده است که موفقیت عملی حزب وابسته به اینست که چه کسی در ترکیب حزب شامل میشود، و چطور صفوف خویش را تکمیل میکند و کدام وظایف را از اعضای اصلی وآزمایشی خویش مطالبه مینماید. ترکیب هر حزب وابسته به آنست که منافع کدام طبقه وچه اهداف را در برابر خود قرار میدهد و توسط کدام شیوه ها به این اهداف نایل می شود. حزب طراز نوین هنگام تکمیل صفوف خویش از نمایندگان سایر طبقات و اقشار زحمتکش در نظر دارد تا داوطلبان عضویت باید با ایدیالوژی طبقه کارگر مجهز بوده و مقررات ونورم هایی زندگی حزبی را بپذیرند. حزب دموکراتیک خلق افغانستان همواره به بهبود ترکیب کیفی حزب توجه لازمی مبذول داشته و دارد. درین رابطه پلینوم های کمیتهٔ مرکزی حزب با رهنمود های مشخص، سازمان ها و کمیته های حزبی را بطور دایمی مؤظف به پیش برد این امر می داند.

کنفرانس سرتاسری ح.د.خ.ا، با تعدیلی در اساسنامه ح.د.خ.ا، شرایط پذیرش کارگران ودهقانان را به حزب بهبود بخشید و امکان آن میسر گردید که سربازان دارای منشاء کارگری و یا دهقانی طبق شرایط جدید پذیرش به حزب، باسپری نمودن دوره آزمایشی شش ماهه پذیرش شان به عضویت اصلی ح.د.خ.ا، مطرح گردد.

رفیق ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ورئیس شورای انقلابی ج.د.ا، در جلسه با شکوه بیستمین سالگرد ح.د.خ.ا، گفت: «در حزب ما بطور دایمی وپایدار تعداد کارگران، دهقانان نو پیشه و ران افزایش می یابد امروز آنان سی فیصد را در ترکیب حزب میسازند واین فیصدی رو به افزایش است.»

به خاطر بهبود ترکیب حزب تصمیم در باره آنکه جوانان تا سن بیست سالگی تنها از طریق سازمان دموکراتیك جوانان افغانستان به حزب پذیرفته میشوند متوجه آنست تا نیرو های جوانی که به حزب می آیند قبل بران مدرسه مبارزه سیاسی و کار سازمانی را در چهار چوب سازمان جوانان سپری نمایند. اکنون شصت و پنج فیصد اعضای حزب ما دارای سنین تاسی سال می باشند. نیرو های جوان دایماً صفوف حزب را تکمیل میکنند و آینده نیز مربوط به آنها است واین در بهبود ترکیب اجتماعی حزب تاثیر زیاد دارد. در کشور عزیز ما زنان در حدود نصف از نفوس بالغ جامعه ما را تشکیل میدهند. واضح است که بدون اشتراك فعال زنان زحمتکش در دگرگونی های اجتماعی و اقتصادی کشور رشد موزون جامعه ممکن نیست. سهم زنان در حزب دموکراتیك خلق افغانستان، در آخر سال ۱۳۶۳ به هفت اعشاریه هشت فیصد میرسد و این فیصدی رو به افزایش است.

به خاطر بهبود ترکیب کیفی حزب کار در زمینه پذیرش پیشرو ترین نمایندگان ملیت ها، اقوام وقبایل مختلف کشور ما به حزب، نیازمند بهبود و توجه بیشتر است. تکمیل صفوف حزب نه تنها بر اساس طبقاتی بلکه بر مبنای انترناسیونالیستی در کشور کثیر الملیت افغانستان یکی از اصول مهم ساختمان حزب ما، ح.د.خ.ا، است.

هم اکنون درصفوف ح.د.خ.ا نمایندگان تمام ملیت های باهم برادر ساکن کشور بسیج میگردند. رفیق ببرك کارمل در پلینوم چهاردهم کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ.ا، به این مطلب اشاره نموده گفت:

«درصفوف ح.د.خ.ا، نمایندگان همه ملیت هاواقوام کشور وجود دارندو ترکیب آن عمدتاً با ترکیب ملی کشور مطابقت دارد.» اعضای حزب باید عمیقاً درك کنند که انقلاب بدون پشتیبانی توده های وسیع مردم به پیروزی های لازمه نمیرسد و ترکیب کیفی حزب بهبود نمی یابد وحزب وقتی نقش رهبری کنندهٔ خودرا تامین کرده میتواند که به حزب توده ای مبدل گردد و اعضای آن سنن، رسوم، عنعنات پسندیده مردم را درنظر داشته باشند وبا انرژی تازه باشور و شوق انقلابی و حوصله توده ها را از لحاظ سیاسی تنویر نمایند و آنان را با روحیه وطنپرستی و انترناسیونالیستی به خاطر منافع وطن واحد مشترك مان به خاطر منافع خود شان متحد و یکپارچه سازند.

کمیته هاو سازمان های حزبی مؤظفند تا برای بهتر ساختن ترکیب کیفی صفوف ح.د.خ.ا، طرز العمل پذیرش به حزب و مقررهٔ کاربااعضای آزمایشی حزب و رهنمود های پلینوم های کمیته مرکزی حزب را در نظر گرفته بیشتر به خصوصیات سیاسی، عملی و اخلاقی، آگاهی سیاسی کار با وقف ووفاداری داوطلبان به امرحزب وانقلاب توجه نمایند تا از نفوذ عناصر غیر آماده وتصادفی و اپورتونیست های مقام پرست به حزب جلوگیری شده بتواند.

به منظور بهبود هرچه بیشتر ترکیب کیفی حزب پیوسته سعی گردد تا بهترین نمایندگان کارگران، دهقانان، پیشه وران به صفوف ح.د.خ.ا، جلب گردند. در صفوف ح.د.خ.ا، برای همه کسانیکه آماده اند نه تنها در حرف، بلکه در عمل، وفاداری به‌آرمان های طبقه کارگر و با ایثار در راه انقلاب و ترقی وطن محبوب ما خدمت کنند جای وجود دارد.

رسول



تلاش سود مند

از چپ براست ذین الله کارگر شاپ کرو مویل شرکت ترانسپورتی افسوتر وگوهر خان معاون سر میخانیك این شاپ که هردو افتخار عضویت حزب دموکراتیك خلق افغانستان را دارند، همواره تلاش می ورزند تا با اجرای درست ودقیق وظایف محولهٔ شان، نمونه خوب از کار با نظم و دسپلین رابرای سایر همقطاران خود ارائه کنند.

عکاسی شریف لطیفی

از زندگی احزاب برادر

سازماندهی بهتر امور

بخش مهم آماده گی جامعه شوروی برای بیست وهفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی را تعیین مشی ستراتیژیکی انکشاف اجتماعی - اقتصادی کشور برای آینده نزدیك و دور توسط حزب تشکیل میدهد، طوریکه در پلینوم ماه اپریل (سال ۱۹۸۵) کمیته مرکزی یادآوری گردید، حزب مشی ستراتیژیکی خود را دررشد سریع اقتصاد بر مبنای پیشرفت علمی - تخنیکی می بیند. این مشی به طور مستدل در اسناد بنیادی حزب ودر طرح برنامهٔ نوین حزب انعکاس یافته که جهات اساسی انکشاف اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی را برای پنجسال آینده و کاملا تاسال دو هزار بیان میکند. این اسناد حزب ومردم اتحاد شوروی رابه حل مجموعهٔ کامل مسایل ذیل موظف میسازد: انتقال اقتصاد به راه مثمر سازی انکشاف، تحقق تجدید ساختار تولید، تعمیم اشکال مثمر اداره، سازماندهی و تشویق درست کار و تامین ارتقای مزید رفاهیت مردم شوروی.

رفیق م.س. گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی در جلسه اخیر شورای عالی اتحاد شوروی اظهار نمود: «اکنون که ما دورنما های خودرا خوب می بینیم. کار سازماندهی، تشدید فعالیت تمامی حلقه های سیستم سیاسی و بسیج توده ها برای حل مسایل مطروحه بخود الویت کسب مینمایند واین امر مستلزم تحکیم مزید نقش رهبری کنندهٔ حزب در جامعه، خواستار افزایش شدت و ثمر بخشی کار کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی وبیروی سیاسی آن میباشد.»

حزب کمونیست اتحاد شوروی شرط اساسی موفقیت پیشرفت سریع کشور رادر جهات عمده واساسی، بنوبه اول دربهبود بخشی تمام فعالیت خود حزب وتمامی کادر های آن می داند. وشرط دوم را در آن می بینند که از طریق نیروی نفوذ مفکوره وی و تشکیلاتی و اعتبار عالی حزب در میان مردم اکنون تمام کشور رابرای حل مسایل نوینی که زمان آنها در برابر جامعه شوروی مطرح ساخته است به حرکت آورد.

آ.پ.ن

> کمیته‌های حزبی باید به کار کادرها توجه دایمی و فزاینده داشته باشند، در انتخاب جابجا ساختن و تربیت کادرهاست که قبل از همه نقش رهبری کننده حزب در جامعه و دولت منعکس میگردد.
>
> رفیق ببرک کارمل

پیشاهنگی درعمل

۱۳ ساعت کار داوطلبانه درهفته

به ریاست تصدی افغان ترکانی رفته و داخل شعبهٔ پرزه کاری این تصدی میشوم. از جملهٔ کارگرانیکه در این شعبه مصروف کار اند، می خواهم با یك تن از آنان که باتلاش و توانمندی سر گرم کار است صحبت نمایم.

او شاه بی‌بی نام دارد، چهره اش نمایانگر تلاش پیگیر، در کار شبانه روزی اش است. سابقه سیزده ساله کار داشته و از هفت سال بدینسو در ریاست تصدی افغان ترکانی با عشق و علاقه سرشار بخاطر شگوفایی وطن و رفع نیازمندی های مردم در کشور، به طور خستگی ناپذیر ایفای وظیفه می نماید. بعد از مختصر معرفی پیرامون کار وزندگی اش با او صحبت را آغاز نمودم. او با یك تعداد کارگران وطن پرست و اعضای حزب این تصدی نظر به علاقه ایکه به رشد تولید، ارتقای سطح بازدهی کار در موسسه و رفع نیازمندی های مردم دارد، در روز جمعه و تعطیل چهار ساعت، و بقیه روز های هفته را یك ونیم ساعت اضافه از مکلفیت رسمی بدون اخذ دستمزد کار مینماید.

شاه بی‌بی که در ردیف کارگران ممتاز این تصدی قرار دارد با درك و فراگیری اساسنامه و برنامهٔ عمل حزب و با کار صادقانه و خستگی ناپذیر در میان کارگران تصدی و محلات زیست توده های مردم از جمله در قریهٔ قادر و، قلعه فتوح وچهار آسیاب به فعالیت های تبلیغی وترویجی میپردازد.

شاه بی‌بی میگوید:

«زمانیکه من در تصدی به کار آغاز نمودم به تعداد پنج نفر کارگر زن با من کار میکرد و اکنون کمیت آن به یکصدو نودو پنج نفر میرسد که همه آنها اعضای حزب وسازمانهای اجتماعی اند.»

فعالیت پیگیر تولیدی و کار تبلیغی و ترویجی او در عرصهٔ سواد آموزی، ارتباط گسترده اش با توده های مردم، سبب شد تا در روز هشتم مارچ تقدیر نامه سازمان دموکراتیك زنان افغانستان را دریافت نماید. او تاکنون سه بار از جانب اداره و سازمان زنان جهت اشتراك در مسابقات کار، کار های ضربتی و داوطلبانه، صرفه جویی از مواد خام، کاربیش از پلان، اضافه کاری بدون مزد و اشتراك در گروه های دفاع خودی تحسین شده است.

نعیم

ضعف در چیست؟

گزارش مختصری ازکار سازمان اولیهٔ حزبی محل زیست قریه جعفر ولسوالی چهار آسیاب ولایت کابل

سازمان اولیه حزبی پایه اساسی حزب بوده وبه منظور تجهیز وسوق زحمتکشان در راه تحقق دگرگونی های انقلابی، اجتماعی و اقتصادی بین توده ها، کار سازمانی وسیاسی را انجام میدهد.

سازمان های اولیه حزبی هنگامی میتواند حلقه وصل مقامات رهبری حزبی، بااعضای حزب، باتوده های زحمتکش باشد که بتواند در ساحه فعالیت خود، مرامنامه و اساسنامه حزب را به مثابه اسناد رهنما تعمیل ودستورالعمل های مقامات حزبی مافوق را اجرا نماید.

سازمان اولیه حزبی محل زیست قریه جعفر ولسوالی چهار آسیاب در اخیر سال ۱۳۶۱ با کمیت محدودی ایجاد گردید تا کار سازمانی وسیاسی را با کتله وسیع دهقانان و اهالی ساحه فعالیت خویش پیش ببرد.. امکاناتی که در موجودیت فضای صلح آمیز کار مورد استفاده سازمان حزبی قرار گرفته است تا چه اندازه میتواند قانع کننده باشد؟ منشی سازمان اولیه حزبی محل زیست قریه جعفر پاسخ میدهد:

«با وجودی که باشندگان قریه به ۱۵۰ تن میرسد و ۷۰ فیصد آنرا دهقانان تشکیل میدهد از بدو ایجاد سازمان اولیه تاکنون پنج تن به عضویت ح.د.خ.ا، پذیرفته شده و۲٤ تن دیگردرسازمان های جوانان وزنان متشکل شده اند. مشکلات اهالی که بیشتر مربوط به قلت آب و نبودن کود وتخم بذری است حل ناشده باقی مانده‌است.

تشدید مبارزه علیه ضد انقلاب که پلینوم پانزدهم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، آنرا مطرح ساخته است باکارباوقف گروه مدافعین ۲۶ نفری که قبلا ایجاد گردیده با موفقیت ادامه می یابد.»

آیا میتوان به آنچه انجام یافته، قانع بود؟ چه موانعی موجود است که صفوف سازمان اولیه حزبی از بین ۱۵۰ تن دهقان قریه که همه آماده اند تا در راه دفاع از وطن وانقلاب بذل مساعی نمایند تقویت نمی گردد؟

آنچه در همان بدو امر بملاحظه میرسد ضعف کار سیاسی وعدم تلفیق آن با کار سازمانی است. در صورتی که زحمتکشان صحت مشی سیاسی حزب راباگوشت وپوست خود احساس ننمایند، اعضای حزب در همه جا وهمه موارد در کنار مردم قرار نداشته باشند، به مشکلات ومطالبات مبرم اهالی پاسخ گفته نشود، کار تبلیغی وترویجی درپیوند بانیازمندی های روز مره اهالی پیش برده نشود، چگونه ممکن است سازمان اولیه حزبی به«مرکز واقعی تربیت وپرورش سجایای عالی سیاسی و اخلاقی هر عضو حزب» وسایر زحمتکشان تبدیل گردد.

ضرور است تا کمیته حزبی مافوق قبل از همه به ارتقای سطح آگاهی سیاسی وایدیولوژیك اعضاء سازمان اولیه حزبی، تقویت روحیه دسپلین پذیری وانضباط حزبی آنان توجه نماید. و مطابق مطالبات پلینوم پانزدهم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، «علیه مظاهر وبقایای بلند پروازی و تکبر، بیکارگی، سوء استفاده وبی مسوولیتی» به مبارزه جدی وتوقف ناپذیر اقدام نماید.

طاهر

خیمه های صلح، نتایج مثمر

پلینوم پانزدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وظایف جدیدی را به خاطر پیشبرد سیستماتیک کار سیاسی در بین توده ها، در برابر همه‌کمیته‌های حزبی‌وسازمان های اجتماعی قرار داده است. تعقیب پیگیرانه کار سیاسی — توده یی میان زنان و از جمله زنان خانه و تسریع و تقویت آن در شمار این وظایف است که سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در روشنایی فیصله ها و تصامیم این پلینوم به عملی ساختن آن آغاز کرده و آنرا دنبال می کند.

یکی از میتود های نوین کار میان زنان خانه ایجاد خیمه های صلح است که تجارب مثبتی بدست داده است. این خیمه ها بر بنیاد تجارب خیمه های صلح که در جمهوری های آسیایی اتحاد شوروی بوجود آمده بود، در کشور ما آغاز به فعالیت کرد.

نخستین خیمه صلح در ربع سوم سال ۱۳۶۳ در شهر کابل به ابتکار شورای ناحیوی ناحیه هشتم سازمان دموکراتیک زنان افغانستان ایجاد گردید که بر پایه تجارب مثبت این خیمه در کار گسترده با زنان و مساعدت باآنان، پنجاه و سه خیمه دیگر توسط شورای شهر کابل سازمان زنان در نواحی یازده گانه شهر کابل و ولسوالی پنجشیر آغاز به فعالیت کرد که اکنون این خیمه ها در ولایات بلخ، تخار، بغلان وکندز در محلات زیست زنان ایجاد شده است.

شیوه های قابل فهم کار سیاسی-توده یی را هرچه بیشتر تعمیم بخشیم

از طریق خیمه های صلح میان زنان خانه وسایر مردم کار های وسیع و گسترده پیش برده شده. هزاران تن از هموطنان ما که بیشتر شانرا زنان و اطفال تشکیل میداد ازمساعدت های مادی و صحی که از طریق این خیمه ها صورت گرفته استفاده کرده اند.

ایجاد خیمه های صلح تجربه سودمند دیگری را بدست‌داده است. فعالیت‌خیمه ها یکی از شیوه ها واشکال قابل فهم کار میان زنان بود که تجارب مثبت آن در کار های بعدی می تواند‌تعمیم یابد.

خیمه های صلح اهداف اساسی را در برابر خودقرار داده است که می توان‌تبلیغ اهداف انقلاب و ضرورت دفاع آنرا، قهرمانی مردم افغانستان، افشای‌چهره سیاه ضد انقلاب، تربیه زنان با روحیه وطن پرستی و انترناسیونالیستی را میان زنان نام برد. از طریق خیمه های صلح فعالیت های گسترده تبلیغاتی میان زنان صورت گرفته است، تعداد زیاد آنها به کورس های سواد آموزی جلب شده، به گروه های مدافعین انقلاب ودفاع خودی پیوسته‌اند. چنانچه می توان از خیمه های نمونه ساحه ناحیه نهم و قلعه نیاز بیگ نام برد‌که کارهمه جانبه را در رابطه بازنان در محلات زیست شان‌انجام داده اند.

با استفاده از تجارب ارزنده در زمینه ایجادخیمه های صلح که وسیله موثر کار میان زنان خانه وسایر مردم محلات است می توانند شیوه های کار این خیمه ها بهبود هر چه بیشتر حاصل‌کند. بر شمار آنها افزایش بعمل آمده وکار وسیع تبلیغاتی در رابطه با پرورش زنان باروحیه علاقمندی بکار و عشق به وطن، صلح ودوستی‌پیشبرده شود.

خیمه های صلح، منحیث تجربه خوب کار درولایاتیکه تاکنون ایجادنگردیده ایجاد گردد و تجارب بدست آمده با درنظر داشت محیط و عنعنات مناطق مختلف کشور در میان مردم پیاده شود.

شفیقه رزمنده
مسوول شورای شهرکابل
س.د.ز.ا.

برای شما زنان

در کانون خانواده

زیستن در تفاهم مشترک

حفظ تقدس کانون خانواده و ایجاد فضای تفاهم و صمیمیت متقابل از وظایف هر عضو خانواده است. در آن خانواده ها ییکه زنان روشنفکر، آگاه ومتعهد زیست می کنند آنها وظیفه دارند تا فضای خانواده را پیوسته باشور و گرمی مشحون ازمحبت‌نگهه دارند ودر برخورد با اعضای خانواده عالی ترین مظهر تواضع، صبر، شکیبایی و کارنمونه باشند. آنها چون افراد انقلابی درخانواده خود با رفتار شایسته‌خویش‌کسب احترام‌کنند.

گاهی اختلافاتی در خانواده ها میان افراد خانواده (پدر، مادر، زن وشوهر، برادر و خواهر) بروز می کند، اختلافات زمانی میان پدر و مادر، گاهی هم میان زن و شوهر و میان برادر و خواهر به میان می آید، ولی می توان این اختلافات وسوء تفاهمات را با برخورد منطقی و دید همه جانبه از میان بر داشت و فضای تفاهم مشترك و صمیمیت را دو باره‌درکانون خانواده تامین کرد که طبعآبایدیك حد معینی از گذشت وجود داشته باشد. دراین‌زمینه افراد یرسالتمند دربرابر خانواده‌موظف اند باحوصله مندی اختلافات‌درخانواده را از میان بر دارند. مادر جامعه یی زندگی داریم که میراث ننگین ازگذشته به ما بجا مانده وافرادا‌کثریت خانواده ها سواد ندارند، این‌امر خود باعث این می‌شود تا اختلافاتی‌میان أعضای خانواده به میان آید. زنان متعهد در این خانواده ها موظف اند تا کار محو بیسوادی را از فامیل‌های خودآغاز‌کنندومعلمین مهربان و صاحب حوصله برای اعضای خانواده‌های خود باشند.

آنانیکه رسالت ساختمان جامعه نوین را دارند درابتدای فعالیت سازنده خویش باید خانواده های خود را هدف قرار دهند و اعضای آنرا با روحیه عشق به مردم، وطن و انقلاب تربیت کنند. در آنزمان است که‌می توان وظایف خود را درقبال مردم و میهن به انجام رسانید.

اجمل

پاسخ به ندای وطن

زنان کشور انقلابی ما به ندای مادر وطن شان پاسخ گفته و دلیرانه از انقلاب و دست آورد های آن دفاع می کنند. امروز هزاران تن از زنان به گروه های مدافعین انقلاب، دفاع خودی وسپاهیان انقلاب پیوسته و کارو پیکارانقلابی‌شانراادامه‌میدهند.

زنان بر علاوه دفاع از انقلاب سنگر آموزش را نیز ازیاد نبرده آنها درروشنایی نوردانش به جنگ علیه سیاهی میروند.

عکس ها: فهیمه عضودفاع خودی‌موسسه‌مطبعه تعلیم‌وتربیه -جریان کورس سواد آموزی در فابریکه خانه سازی کابل.
عکاسی شریف لطیفی





سازماندهی کار ضربتی

از شوراها وتجارب شان

زنان ولایت بلخ با پیوستن داوطلبانه به صفوف سازمان دموکراتیک زنان افغانستان فعالانه در امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سهم گرفته و از انقلاب و دست آورد های‌آن که رهایی زنان را از قید مناسبات فیودالی و ماقبل آن نوید داده دفاع می کنند. تاکنون تعداد زیادی زنان این ولایت در دو شورای شهری، سه شورای ولسوالی، شصت و چهار سازمان‌اولیه که در محلات زیست و کار زنان وجود دارد متشکل شده و کار و فعالیت شانرادنبال می کنند.

شورای ولایتی بلخ س.د.ز.ا، پیوسته توجه دارد تا شیوه های کار با زنان در این ولایت بهبود یابد و کیفیت کار سازمان در رابطه با سازمانهای اولیه محلات زیست بهتر گردد. تا حال بیست و دو سازمان اولیه محل زیست در محلات ولایت بلخ ایجاد شده است. همچنان تعداد زیادی زنان عضو سازمان در موسسات تولیدی مصروف کار اند که فعالانه در مسابقات کار سهم میگیرند و به خاطردفاع ازامنیت موسسات شان عضویت دفاع خودی را حاصل کرده اند.

شورای ولایتی بلخ سازمان دموکراتیک زنان افغانستان به استقبال از بیستمین سالگرد تاسیس س.د.ز.ا پلان تدابیری‌را روی‌دست گرفته وفعالیت هایی را در زمینه انجام داده است. ماه سرطان به‌نام ماه کار ضربتی میان‌زنان اعلام گردیده که همه‌سازمانهای اولیه زنان در کار با زنان ولایت سهم می گیرند. چنانچه صد ها تن از زنان جدیداً عضویت سازمان را حاصل کرده‌اند. اعضای سازمان از فامیل های شهدای انقلاب پیوسته وارسی کرده و مشکلات آنها را به موقع حل می نمایند، به‌مناسبت بیستمین سالگرد، سازمان خیمه‌های‌صلح درمرکز و مربوطات‌ولایت بلخ ایجاد شده که از طریق این خیمه ها به اهالی مساعدت های همه‌جانبه صورت گرفته است. زنان ولایت بلخ در جنبش حشر و کار های داوطلبانه اشتراك ورزیده اند.

پلینوم پانزدهم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، وظایف گسترده‌ٔ را دربرابر همه سازمانهای حزبی و اجتماعی قرار داده‌است. شورای ولایتی بلخ سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در روشنایی فیصله های پلینوم کمیتهٔ مرکزی حزب می‌تواند کار سیاسی — توده یی میان زنان را گسترش داده و شبکهٔ سازمانهای اولیهٔ محل زیست را که نزدیک ترین محل ارتباط زنان در محلات است‌توسعه دهد. همچنین این شورا می تواند تعداد بیشتر زنان را بد ورسازمان دموکراتیک زنان افغانستان متشکل سازد.

ماری

زنان همدوش با مردان‌در صد ها موسسه تولیدی کشور در ارتقای سطح‌تولیدسهم گرفته و در مسابقات کار که عنصر نوین‌در جامعهٔ‌ماست فعالانه اشتراك می ورزند.

در عکس: ثریا کارگرشعبه ماشین افغان ترکانی که عضو س.د.ز.ا، بوده واز جمله کارگران فعال در مسابقات کار است.

گزارشها

*

به افتخار بیستمین‌سالگرد تأسیس سازمان دموکراتیک زنان افغانستان نمایشگاه سوزن دوزی و خیاطی بعد از ظهر دیروز در کلوپ مرکزی زنان طی مراسمی افتتاح گردید.

درین نمایشگاه ۳۰۰ اثر سوزن دوزی و خیاطی به نمایش گذاشته شده ومدت سه روز بروی علاقمندان‌باز است.

*

به استقبال بیستمین سالگرد تأسیس س. د.ز.ا. ازطرف شورای ولایتی کندز ساز مان خیمه های صلح در کارته هلال‌کندز وقراءچرمگری وآنگشور باغ این ولایت به فعالیت آغاز کرد.

درین خیمه‌ها بیش‌ازپنجصد تن از زنان واطفال نقاط مذکور ازطرف‌دوکتوران مؤظف بصورت مجانی معاینه شده و اموال امدادی برای‌شان توزیع‌گردید.

*

کنفرانس جهانی پیرامون ارزیابی دستاورد های دهه‌ملل متحد برای زنان که درنایروبی مرکز کینیا کار آن آغاز شده بود، خاتمه یافت.

این گردهمایی جای مناسبی برای ابرازمخالفت قاطع علیه خطر فاجعه ذروی وتامین حقوق برابر وکامل زنان درهمه ساحات زندگی میباشد.

درین کنفرانس اشتراك کننده‌گان از پیام تبریکیه هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی‌که‌توسط تریشکوارئیس کمیته زنان شوروی و رئیس هیأت آنکشور در کنفرانس نایروبی قرائت شد بگرمی استقبال کردند.

ح.ا.ث

ایجاد سازمان اولیه

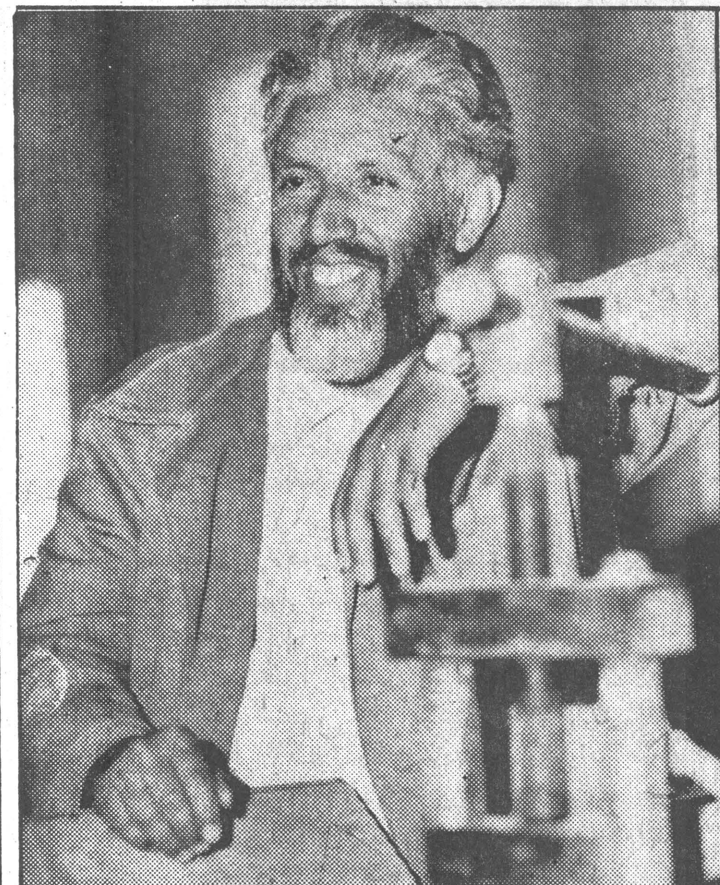
سازمان اولیه محل زیست زنان فامیل های‌پلچرخی بنام ((بده بیره))بخاطریادی از قهرمانی سربازان‌افغانی و شوروی که مرگ را بر زیستن در اسارت ترجیح داده و قهرمانانه جام‌شهادت نوشیدند اخیراً از طرف شورای ناحیوی ناحیه نهم ایجاد گردید.

درین سازمان اولیه‌پنجاه‌و یك تن اززنان عضویت سازمان دموکراتیک‌زنان افغانستان را حاصل‌کرده‌و به اثر پیشنهاد خود شان‌به گروه مدافعین انقلاب پیوسته و در تأمین امنیت محل زیست شان سهم می گیرند.

درمحفلی که به‌مناسبت ایجاد این سازمان اولیه درساحه فامیلی های پلچرخی ترتیب شده بود یکتن از زنان که جدیداً عضویت سازمان زنان را حاصل کرده‌بود صحبت نموده‌و تعهد سپرد که از دستاورد های انقلاب شکوهمند ثور دلیرانه وقاطعانه دفاع کرده و فعالیت های گسترده یی میان زنان‌محل انجام دهد.

همچنان در ساحه فامیلی های پلچرخی انجمن خیاطی واتاق‌کودك به ابتکار‌شورای ناحیوی ناحیه نهم ایجاد وبه فعالیت آغاز‌کرده‌است.

سیلی



محمد صادق با شی کارگران شعبه فلز کاری ریاست تو لید محصولات فلزی وزارت آبیاری که بیشتر از ۲۳ سال سابقه کار دارد، همواره در رهنمایی و آموزش سایر کارگران شعبه اش تلاش ورزیده است . عکاسی ح.۱.ث

تسهیلات بانکی

با تمرکز سیستم با نکی کشور خصوصاً پس ازمرحله نوین و تکا ملی انقلاب ثو ر فعالیت آنها منظم و متمرکز گردیده ، سهو لت های زیادی را در معاملات بانکی ازقبیل اعطا ی قرضه ها، افتتا ح لیتر آف کرید ت های وارداتی وصادرا تی و مرا ودا ت پولی برای موسسا ت دو لتی و تجار ملی و سایر هموطنان عزیز بو جود آورده است .

یکی از جمله فعا لترین بانک های تجار تی کشو ر پشتنی تجار تی بانک میباشد که با سی ویك سا ل سابقه بانکی خود فعالیت ها ی ارزنده یی را در بخش ها ی تجارتی کشور انجام داده است .

این بانک درسا ل ۱۳۳۳ با سر مایه ابتدا یی یکصدو بیست ملیو ن افغا نی به فعالیت آغاز کرد . سر مایه این بانک درسا ل ۱۳۵۶ به چار صد ملیو ن و درسا ل ۱۳۵۸ به پنجصد ملیون افغا نی ارتقا نمود . سرما یه فعلی آن طبق منظور ی شورای وزیرا ن ج.د.ا. به هزارملیون افغا نی رسیده است .

پشتنی تجار تی با نک با اعطا ی قرضه های صادرا تی ووارداتی به تجار ملی وشرکت های داخلی در زمینه رشد و انکشا ف بیشتر تو لیدا ت به منظور صادرا ت سهم ارزنده داشته است . چنانچه با مساعد ت به تجار ملی جهت فراهم آور ی سهو لت د ر، عرصه اقلام عمد ه صادرا تی کشور از قبیل پو ست قره قل پشم، پنبه ، صنایع دستی ، قالین ، گلیم ، پو ست بز ی وگوسفند ی ، پوست پیکل، کنجد ، زغر ، کشمش، بادام، پسته ، چار مغز ، شکرپاره انار، شیرین بو یه و غیره به بازار های خار جی و جوه قابل ملاحظه اسعار ی بداخل کشور جلب گردید ه وبا لنوبه تاثیر خویش رادررشد عاید ملی کشور بجا گذاشته است.

مساعد ت های لازمه این بانک به تجار ملی وموسسا ت صنعتی در مورد اجرای کو لکشن ها. افتتاح لیتر آف کرید ت های صادرا تی و وارداتی افتتاح حسا بات، جار ی وامانا ت میعاد ی و امور بار چالا نی در دا خل وخار ج کشور در خور توجه است .

این بانک با پنج نمایندگی درولایات کشورمانندکند هار هرا ت ، بلخ ،کندز ،فاریا ب وچار نماینده گی در خار ج کشور از قبیل کرا چی ، پشاور ، چمن ،امر تسرو شهر ی خانگه ها در شهر کابل تبادلات پولی و امور چالانی اموا ل را به طور سریع انجا م میدهندهمچنان زیورا ت ، اشیا ی قیمتی و اسناد بهادار هم وطنان عزیز مارا با مصوونیت تما م در جعبه های مستحکم فلز ی نگهدار ی مینماید .

پشتنی تجار تی با نک از بدوتاسیس در توسعه و انکشا ف تجار ت خار جی ، تقویه موسسا ت تجار تی جهت صدور پیداوار مملکت به مارکیت های خار جی و تورید مواد ضرور ی بداخل کشور، اعطای قرضه های طویل المد ت و قصیر المد ت به تجا رملی و سایر فعالیت های ارزند ه را انجا م داد ه است . این بانک در سا ل ۱۳۶۳ مبلغ ۱۶۱۱٫۳ ملیون افغا نی قرضه واردا تی برای تجار ملی و تشبثا ت خصوصی و مبلغ ۱۱۶۱٫۶۲ ملیون افغا نی قر ضه صادرا تی که جمعا مبلغ ۲۷۷۲٫۹۵ ملیون افغا نی میشود تادیه کرده است .

هکذا کار کنا ن و منسوبین پشتنی تجار تی بانک غرض رشد و تقو یه تجار ت در کشور و سهم گیر ی آنها در رو ند انکشا ف اقتصاد ی مملکت و درسا ل جاری مصمم اند تا بهترین و موثر ترین خدما ت را برا ی مشتر یان خود مطابق به پلان های تنظیم شد ه عرضه نمایند .

کریم شریف

مصروفیت های سودمند

اضافه ازیکهزارو هشتصد نفر از محصلان که به منظور سپری نمودن رخصتی زمستانی شان از کشور های خارج به کابل آمده اند از اول سرطان تا کنون به اسا س مصو به بیروی سیا سی کمیته مرکزی حزب دمو کرا تیک خلق افغا نستان در یک تعداد از فا بریکه ها . مو سسا ت تو لیدی کار گری و دوایر رسمی بکار گماشته شده اند.

آنها تا ختم رخصتی شان کار های شا نرا در شاپ ها بخش ها و رشته های مختلف دنبال مینما یند .

پرو گرام معر فی محصلان به مو سسات تولیدی فابریکه ها و دوایر دولتی از طرف شورای مر کزی اتحادیه های صنفی افغا نستان ادامه دارد.

باختر

داستان کوتاه

وتمامی دره می خندید

> **در پیکار در راه آرمان والای انسانی ، قهرما نا نی پا درصحنه تاریخ می گذارند که بی گمان نام ویادو کار شان پشتوانه یی مطمئن برای زنده گی بهتر خوا هند بود. حما سه های از این دست جنبه تاریخی و جهانی دارندو چه بسا که کار و پیکار آنان خطوط مشترك ویکسا نی با هم داشته با شند .**
>
> **چنا نکه سر نو شت غرورآفرین قهر مان داستان ما بی شبا هت به حما سه حیرت انگیز الکساندر ما ترا سو ف مدافع شجاع ارتش شوروی درجنگ جهانی دوم نیست،اما: یك حرف بیش نیست غم عشق و عا قبت**
>
> **از هر زبان که میشنوم نا مکرر است**

ستاره ها هنوز میدر خشیدند و از سپیده صبح خبری نبود ، شمال ملایم از چار چو ب کلکین به درو ن اتا ق میو زید . صدای پارس سگها از دور ها شنیده میشد ، باز محمد بر خلاف هرروز ، زود تر از خوا ب بیدار شده بود ، پرنده خیالش به دور دست ها ، بربام ودر شغنا ن وبر کو چه با غهای دهکده اش پرواز میکرد ، خا طرا ت مبهم و رو شن زنده گی اش یکی پی دیگر چون پرده سینما از برابر ش میگذ شتند ، سا ل ۱۳۵۹ را بخا طر می آورد ، آنگا هیکه پس از گذ شت دوازده سال پرازرنج وزحمت ، سند فرا غت مکتب را بدست آورده بود و یا دش آمد که آنروز شاد و خندان بسو ی خانه رفت و پدر و ما در ش رو یش را بو سیدند . مادر کا غذی را که باز محمد برایش داد ، چند بار دربرابر چشما ن گود رفته خود قرار داد و به خطوط سیاه ودرشت آن چشم دوخت أما از آن چیزی نفهمیده بود ، بازمحمد که زیر چشمی حر کا ت مادر را زیر نظر داشت ، لبخندی زد و گفت :

ـ مادر ، شهها د تنا مه است .

ما در با تظا هر اینکه گو یا فهمیده است گفت :

ـ فهمید م بچیم ، مبار ك باشه ، برو بچیم یک کمی آرد سو جی بیار که حلوا کنیم .

باز محمد به خنده گفت:

ـ چرا مادر ، بخود ز حمت مید هی .

ما در گفت :

ـ بچیم ز حمت نداره ، خیرات میکنم، خیرا ت کامیابی ات است .

دلش برای ما درش می سوخت ، او نمیدا نست چند روز بعد اوراتر ك خواهد کرد . . .

آنرو ز بزو دی فرارسید، روز یکه از پدر وما در و از حانه اش دور میشد وبخدمت سر بازی میر فت . ما در با ظاهر آرام و با طن اندوهگین باز و های استخوانی و لاغر ش را بدور گرد ن فر زندش حلقه کرد ، در حالیکه گونه های پسر ش را غر ق بو سه میسا خت با صدا ی آرام که به گریه شبیه بود تکرار میگرد :

ـ بچیم احوا ل خود را روان کنی ، زود زود خط نوشته کنی ، باز محمد با پدرش ازخانه بیرو ن شد ند چند قد می دور نشده بود که مادر جام پر از آ ب را در قفای پسر ش پاشید ...

نا گها ن صدای « دریش » سربازی رشته ی افکارش را ازهم گسیخت ، از یك پهلو به پهلوی دیگر غلتید ، خواند ن خر وسهای دور دست بگوش می آمد و رسید ن سپیده صبح را نوید میداد . لحظه ای بعد صدا های آمد و شد سر با زان آغاز یافت ، بازمحمد در تاریك رو شن صبحگا هی نگا هی به ساعت دستش اندا خت و به سختی و قت را فهمید ، از جا یش بلند شد و اریکین راروشن کرد ، لباس پو شید ، موزه هایش را از گو شه نیمه رو شن اتا ق پیدا کرد و به نزدیك چپر کت گذاشت. در بیرو ن آ واز سر با زا ن بلند بود . پرتو خا کستر ی رنگ سپیده صبح به آرا می د ل تاریکی شب را می شگا فت ناگهان دروازه ی اتاق به صدا در آمد ، سر باز ی دا خل شد و پس از آنکه سلام داد گفت :

ـ قو ماندا ن صا حب ، وقت رفتن است .

در صحن ق وماندا نی ستونی، از سر با زا ن رشنید و افسرا ن ایستاده بودند و هر کدام تجهیزا ت خود را جا بجا میکردند . باز محمد ماشیندار خود را بر دو ش انداخت واز اتا ق بیرو نشد.

سر بازا ن یکی پی دیگر به صفو ف خودمی پیو ستند همه آماده بودند ، لحظه بعد قومانده حر کت داده شدوهمه با صفو ف منظم از قشلـه بیرو ن شد ند . باز محمد شانه به شانه سر با زان و افسرا ن همرز مش گام بر میداشت ، صدای قد مها و تر ق تر ق تفنگ ها برشانه ها ، سکو ت صبحگاهی را بر هم زده بود . از روزنه های با م خانه های د هکده دود بر میخا ست . زنده گی پس از سکو ت طولا نی شب، دو باره آ غاز می یافت ،جیك جیك گنجشك ها، صدای ملایم بر گ درختا ن به آدم نشاط می بخشید . سر بازان وافسران از راه خا مه ا یکه دو طر ف آ ن زمین های خشك شالیزار بچشم میخورد به پیش میر فتند . چشمها یی میشی و کاونده باز محمد دور ها را می پالید ، گو یی دور نما ی آینده را تما شا میکرد . آفتاب بسو ی چاشتگاه نزدیك میشد و نورزرین آن سایه ها را کو تاه ترمی ساخت ، رو شنی زننده آفتاب از رخنه های بر گ درختا ن می تابید و چشمها را آزار میداد . بازمحمد پیك کلا هش رااند کی پائیـن کشید تا از گزند رو شنی آفتاب آسوده گردد . سربازان و افسرا ن با هم گپ میز دند اما باز محمد ، خا مو ش و آرام گام بر میداشت ، یکی از سر با زا ن که شا نه به شانه اش راه میر فت پرسید :

ـ چقدر راه مانده تا بـه دهنه غوری برسیم ؟

باز محمد به ساعت دستش نگاه کرد و گفت : یکسا عت دیگر میرسیم .

گرمی آفتا ب کسل کننده بود ، شیار های عرق اززیر کلاه ها بهسروصورت عده ا ی از سر بازا ن و افسرا ن می چکید ، لبا سها به تـن های شا ن چسپیده بود ،گرد وخا کی که از گا مهای شان به هوا بلند می شد به لباس های خا کی و صور تهـای شا ن می نشست ، باز محمد حس میگرد که روزی سخت و دشوار در پیشرو دارد . نفر تی در و جود ش شعله میکشید و هر آن بیشتر می گردید ، این بار او ل نبودکه با چنین حا لتی موا جه میشد، در علاقه داری کرا نومنجان اطرا ف شهر فیض آ باد، تخار ، کندز و بسا جا های دیگر شعله های خشمش را احساس کرده بود ودرشراره اش خس و خا شا ك را سوخته بود .

رفقای همر ز مش اورابنام قهرما ن صدا میز دند ، اما اواز شنید نش سرخ می شد وباخود میگفت : « کاری انجام نداده ام که قهرما نم بنامند.» اما دیگرا ن میدا نستند که او به اثر شجاعت و مر دا نگی اش این نام را بدست آورده، ازسر بازی به رتبه افسر ی رسیده است . اما او متو جه این شها مت خود نبود و این همه را به حساب نمی آورد.

همگی آرا م و فارغ ازترس روا ن بودند ، ما نند امواج دریا، بی برگشت . در آنسو تر در برابر شا ن کوهی قد بر افراشته بود ، ارا ضی نا هموار با نشیب ها وفراز هایش همه را خسته سا خته بود ، آفتاب گرمی بیشتر داشت ، باز محمد با پشت دست عر قها ی رو یش را پاك کرد ، دفعتاً ما شیندا ر ش را از شانه پایین آورد وبا دستان نیرومند وپینه بسته اش محکم گرفت ، یك احساس گنگ ونا معلو م اورا به حالت آماده باش در آورده بود ، پس از آنکه شانه پهنش اند کی سبك شد ، با چشمان ریزو لی کاونده اش بسو ی سر باز یکه پهلو یش روا ن بود نگا هی کرد و گفت :

ـ تفنگ رااز شا نه پائین کن تا شخی شانه ها یت بر آید .

سر باز به خنده گفت :

ـ راستی حالا و قتش است .

قدم ها آهسته تر شدند، چشم ها به هر طر ف میچرخید ند ، نا گها ن همه به اطرا ف پراگنده گر دیدند و عقب سنگر ها رفتند ، لحظه ای بعد باز محمد ، سر بازان و افسرا ن باز حف وتر بله به پیشرو ی شرو ع کردند وبطر ف کو هیکه در برابر شا ن قرار داشت لحظه به لحظه پیش میر فتند ،ناگهان شلیك مسلسلی د ل فضا را شگافت ، دست ها به ما شه ها رفتند ، غریو فیر ها در دل کوه پیچید ، شلیـك مسلسل باز محمد سینه کوه را شگافت . نعره ما شیندار ها کر کننده بود ، باز محمد جلوتر از سر با زا ن ،هیکل نیرو مند ش را و جب بوجب پیش میکشید و شلیك هایش سینه سنگ هارا داغان میکرد.

لحظه ها پی هم میگذشتند اما امکا ن به جلو رفتن مشکل شده میر فت ، وضع یأس آوری برهمه مستو لی شده بود . مو قعیت دشمن مشکلی راایجاد کرده بود ، د شمن بلند تر از دا منه کـوه از سوراخ صخره بر آنها شلیك میکردند ، که اند ك حر کت بیجا به قیمت جان هر یك از سر باز و افسر تمام میشد، اندك اندك و سواس و دلهره در دلها راه می یافت ، همه در اندیشه فرو رفتند امـا شلیك مسلسل ها یکی پـی دیگر ادا مه داشت ، در این هنگام باز محمد در عقـب سنگر اند کی نیم خیز شد و با سرعت خود را از یك سنگر به سنگر دیگر رسانیـد ، پشت یکی از سنگر ها توقف کرد و با هیجا ن به افسریکه در پهلو یش قرار داشت ، آهسته گفت :

ـ رفیق قوماندان ! ا گـر اجاز ه بد هید من جلو آنهارا بگیرم .

قوماندا ن با تعجب به او نگا هی کرد و گفت :

ـ چه میگو یی باز محمد ، هیچ امکا ن ندارد ، چطور جلو آنها را میگیری ؟

باز محمد با قا طعیت پاسخ داد :

ـ از اینکه اینطور بنشینیم و آتش فیر ها را تما شا کنیم، فکر میکنم تلفات خوا هیـم داد ، فکر میکنم میتوا نم جلو آنها را بگیرم ، یك کار ی خوا هم کرد ، به شر طیکه خود را درزیر آن صخـره برسانم . اما این بار معاون سیاسی فر یاد زد :

ـ خود را به کشتن میدهی باز محمد !

یا دش آمد که آدمها ی شریر تر ازاینها را به زانو در آورده است ، دفعتـاً بخاطرش آمد که در جا یی خوانده بود :« هنگا میکه امری مربو ط بخود انسان باشد ، فدا کار ی و جود ندارد .» و در اینجا زنده گی همر زمانش در خطر بود ، درچنین حالتی چه باید میکرد ، نا گها ن ضر بت قوی مرمی دشمن در عقب سنگر بخود آورد ش و سر ش را پایینتر برد و به معاو ن سیاسی گفت :

ـ اگر تا آنجا در زیر فیر های پیا پی مرا حمایه کنید ، متبا قی کار ها آسان میشود.

او سخت پا فشاری میکرد ومتیقن بود که حتمـاً پیروز میگردد ، اما قو ماندا ن و معاون سیاسی نمی پذیرفتند، باز محمد چندین بار تکرار کرد :

ـ من میتوانم ، من بایـد بروم !

او به یك پار چه حرار ت تبدیل شده بود و ما نـنـد شیر زخم خورده تقلا میکرد. نا گها ن از عقب سنگر پرید و با چند گام بلند و تند خود را بیـك پشته رسانیـد ، انگشتش ماشه مسلسل را فشرد ، در زیر بارا ن مرمی ها چند گا می دیگر برداشت، چشم های متعجب سر بازان و افسرا ن به باز محمد افتاده بود ، کسی جز قو ماندا ن و معا و ن سیاسی نمیدا نست که باز محمد چرا از همـه جلو تر میرود . ..

سر با زا ن یکی به دیگر میگفتند :

ـ باز محمد را ببین ! چه میکند ؟ خود ش را به کشتن مید هد .

دیگری گفت :

ـ او قهرما ن است ، ببین چطور پیش میرود ، بایـد متواتر فیر کنیم تا دشمن متو جه او نشود .

دراین گیرو دار باز محمد خودش را زیر پوزه کمین گاه دشمن رسانیده بود ، اودر این لحظه تنها بیك چیز می اندیشید ، پیروز ی .

سر با زا ن یك تعداد از دشمنا ن را که از اطرا ف سورا خ فیر میکردند سرکو ب نموده بودند و یـك تعداد دیگر که دست و پاچه شده بودند سلاح خـود را گذاشته و پا به فرار نهادند. تنها یك نقطه مستحکم وجود داشت که نفوذ برا ن دشوار مینمود و باز محمد همیـن اکنو ن در نزدیکی آن موضع گرفته بود .

هو ش و حواس سر با زان و افسرا ن به دو نقطه متمرکز بود . به افسر شجا ع و سرسپرده و آن سوزا خیکه هر نوع فاجعه از آن متصوربود. باز محمد بی هراس خزیده خزیده به پیش میر فت ، فاصله بین او و مو ضع دشمن دو گام بیشتر نبود . ..

د لها در سینه ها بـا نگرا نی می تپید ، هرسرباز و افسر در این لحظه حساس خود را بجای او میدیدند ، لب زیر دندا ن گر فته بودند و تمام حر کا ت باز محمد را دقیقاً زیر نظر داشتنـد واز خود میپر سیدند :

« او چه میخوا هد بکند؟» اماجوابی درست نمی یافتند .

لب ها از شد ت گر مـا خشکیده بود ، بر چهره های گرد آلود سـر با زا ن و افسرا ن ، شیار ها ی گل آلود عرق جاری بود ،مسلسل ها می غریدند ، باز محمد فقط یك گام از دشمن فاصله داشت ، در این لحظه به هیچ چیز نمی اندیشید ، همه چیز زندگی اش به مو یی بسته بود ، نگا ها یش به سوراخیکه دهن باز کرده با نفرت میدید ، خود را اند کی جمع کرد و چون پلنگ زخم خورده بایك حرکت تند و سریـع سینه ستبر ش را به دهن سورا خ سپر ساخت ،درست در همین لحظه سر با زا ن و افسرا ن با شتاب ازپشت سنگر ها جهیدند و سرباز ا ن به نزدیك لانه رسیده بودند و باز محمد کـه سنگها یی صخره را بـا مشتها یی خشما گینش میفشرد ، دها ن نفر ت انگیز سورا خ را با تن ستبرخویش پو شانیده بود ، دستها یش از ریگهای تفتیده انبا شته بود. نفس نفس میزد ،پـا هایش سنگینی میکـردند ، انگار او را با دست به دار آویخته بودند ، اما او دلیرانه دستهایش را به گرد ن سنگها گره زده بود ، او میخواست چشم لانه را ببندد تا یارانش به دهانه کوه بشو رند.صدای چکمه همسنگر ها یش را شنید ، دیگر شا دی تمـام جهان از او بود ، فر یادخوشحا لی کشید ، او بـه میعاد گاه دست یافته بود ، اما هنوز پژوا ك صدا یش در د ل صخره طنین نینداخته بود که گلو له یی از دها ن نفرت بار لانه باز وی راست اورا بوسید ، گلو له دیگر آماج سینه اش شد و آنگا ه دستها یی باز محمد لغزید و از آغو ش صخره بر زمیـن افتاد ، هنوز ریگها ی تفتیده در مشتها یش فشرده میشد.

خورشید لا شه خو نین خویشرا در پس کوه هـا میکشاند ، همسنگرا ن باز محمد زیر نور مسی رنگ ، برد هانه صخره چشم دوخته بودند ، دیگر دهانه نفر ت باز نبود ، گو یی میخندید ،گویی تما می دره میخندید و گو یی باز محمد هم لبخند گنگ و مبهمی بر لب داشت .

فضل حق فکرت

اعترافات تروریستان حرفوی

طی کنفرانس مطبوعاتی اعمال جنایتکارانه گماشتگان سازمان جاسوسی پاکستان افشاء و محکوم گردید

در کنفرانس مطبوعاتی که قبل از ظهر روز شنبه ۲۹ سرطان در هوتل آریانا به اشتراک ژورنالیستان داخلی و خارجی دایر گردید، یکبار دیگر اعمال جنایتکارانه ومداخله گرانه گماشتگان سازمان جاسوسی —سی. آی. دی پاکستان در امور داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان افشاء وپرده از روی فعالیت های تخریبی و تروریستی آن سازمان همزمان با تشدید جنگ اعلام ناشده رژیم نظامی پاکستان علیه مردم وانقلاب ما، بر داشته شد.

در آغاز این کنفرانس مطبوعاتی داود کاویان رئیس کمیته آژانس اطلاعاتی باختر در رابطه با کارزار کثیف ضد افغانی رژیم دیکتاتوری جنرال ضیاء الحق و تشدید فعالیت های خرابکارانه آن علیه کشور ما معلومات ارائه نموده و اظهار داشت که طوریکه از طریق وسایل اطلاعات جمعی کشور آگاهی یافته اید در این اواخر سازمان جاسوسی جهنمی سی. آی. دی فعالیت های رذیلانه تخریبی و تروریستی خودرا علیه ج.د.ا، تشدید نموده است. دستگیری دو کارمند غیر سیاسی سفارت پاکستان توسط نیرو های امنیتی کشور حین فعالیت های تخریبی آنها خود گواه انکار ناپذیر این مدعا ست. طی این کنفرانس مطبوعاتی دو تبعه پاکستانی به نام های فضل الرحمن مسکونه قریه کاشکال پشاور و ساجد حسین باشندهٔ راولپندی اعضای سازمان جاسوسی سی. آی. دی پاکستان و یک تبعهٔ افغانی به نام موسی کلیم باشنده سپین بولدک ولایت کندهار عضو باند جنایتکار جمعیت و سازمان سی. آی. دی در مورد فعالیت های تخریبی وجاسوسی شان که به دستور سی. آی. دی پاکستان صورت میگرفت اعتراف کردند.

سپس ژورنالیستان داخلی و خارجی سوالات شانرا در مورد چگونگی فعالیت های تخریبی و تروریستی این جنایتکاران مطرح نمودند.

اسامی موسی کلیم در پاسخ به سوال خبرنگار ح.ا.ث در مورد اینکه کدام فعالیت های تخریبی را در داخل قلمرو افغانستان بدستور سازمان سی. آی. دی پاکستان انجام داده است گفت:

من درسال ۱۳۶۰ توسط مولوی عبدالکریم مسوول اطلاعات باند جمعیت که یکتن از اعضای سی. آی. دی میباشد به باند جمعیت جذب وبه سازمان سی. آی. دی پاکستان استخدام شدم. من از طرف او وظیفه گرفتم تا اطلاعات را در مورد بلوچ هایی که به افغانستان پناه آورده اند جمع آوری کنم. همچنان او به من وظیفه داد تا اطلاعات نظامی را جمع آوری و به او تسلیم کنم. بعداً من همراه با او به پشاور رفته و در کمپ خالد بن ولید تعلیمات نظامی دیدم و سپس همراه با مولوی کریم نزد جنرال اختر آمر عمومی سی. آی. دی رفته ومولوی کریم مرا به وی شخص کارکن و مطمین معرفی کرد. همین بود که جنرال اختر از امکانات و شرایط کارم پرسیده و با دادن پنجهزار کلدار بخشش مرا تشویق کرده گفت که اگر یك وظیفه برایت بدهم آنرا انجام می دهی؟ من آنرا قبول کرده و فردای آن دوباره نزدش آمدم. فردا وقتی که نزدش رفتم او پلان اختطاف طیارهٔ آریانا را ترتیب و بمن وظیفه داد تا طیاره آریانا را اختطاف نمایم. همین بود که من از راه کویته همراه با مولوی کریم به ولایت کندهار آمدیم وچار نفر دیگر از جملهٔ اعضای باند جمعیت که در بخش اطلاعات وظیفه داشتند با مایکجا آمدند و تصمیم گرفتیم تا طیاره آریانا را اختطاف کنیم. همین بود که به میدان رفته وحین انجام این عمل، توسط قوای امنیتی دستگیر شدیم. باید بگویم که جنرال اختر بمن گفته بود که در مقابل انجام این عمل مقدار زیاد پول برایت خواهم داد و به خاطر انجام این کار برایم چارعدد تفنگچه بی صدای قلمی ویك عدد تفنگچه گازی داده بود.

ساجد حسین در برابر سوالی که به دستور سی. آی. دی. کدام فعالیت های تخریبی را انجام داده است گفت: من درسال ۱۹۸۱ به سی. آی. دی جذب و متعاقباً غرض استخدام اشرار افغانی به سی. آی. دی در کمپ ورخك رفتم و بعد از مدتی غرض جمع آوری اطلاعات نظامی، روحیه و مورال اعضای باند های اشرار و غیره مطالب نه بار تا وقتیکه دستگیر شدم در نقاط مختلف افغانستان همراه با گروپهای مسلح اشرار بوده ام که بر علاوه انتقال مشاورین اشرار در کمیته های آنها در تهیه اطلاعات، دادن تعلیمات نظامی به اشرار از جمله تدریس استعمال توپ بی پس لگد، دهشکه و غیره سلاح ها پرداخته ام.

همچنان در ارگون با خود یك نفر مشاور امریکایی رابنام جان ویلیم گست غرض آموختن تعلیمات نظامی انتقال داده بودم. من در همین مدت نه تنها مشاورین خارجی امریکایی، ترکی، عربی و استرالیایی رادیده ام، بلکه گروپ های رادیده ام که مسلحانه علیه دولت افغانستان می جنگیدند. طور مثال در ارگون چهل نفر عربی و سه تن اعضای سی. آی. دی بنام های کپتان رشید، اکبر خان و لعل خان را دیده ام که همراه با باند حرکت فعالیت های مسلحانه را علیه دولت افغانستان انجام میدادند و گروپهای اشرار را تربیت میکردند. همچنان سی نفر پاکستانی دیگر در کتواز همراه با اشرار فعالیت مسلحانه را انجام می دادند. یکصدو ده پاکستانی که یکتعداد شان ظاهراً مربوط به سازمان جماعت اسلامی پاکستان اند ولی در واقعیت از جملهٔ نظامیان پاکستان هستند همراه با اشرار علیه دولت می جنگیدند.

ضمناً در یغمان همراه با بلال سر کرده باند گلبدین چهار نفر مشاور ترکی را که وابسته به سازمان سلامت ترکیه بودند دیدم که برای آنها تعلیمات نظامی میداد. همین طور من عملا دیدم که محمد ابراهیم مشاور مصری برای اشرار در یغمان استعمال راکت های زمین به زمین و زمین به هوا نوع سام هفت را یاد میداد. همچنان من با مولوی نصرالله یکی از سر کردگان باند حرکت، دونفر مشاور انگلیسی و استرالیایی را بنام های مستعار جان گلس گولت و رفیع الله دیدم که از فعالیت های تخریبی اشرار عکاسی و فلمبرداری می کردند.

فضل الرحمن مسکونه قریه کاشکال پشاور وعضو سازمان سی. آی. دی پاکستان در جریان کنفرانس مطبوعاتی اعتراف کرد که من چار سال قبل به سازمان سی. آی. دی جذب ودرتهانه انگو در شهر پشاور تعلیمات نظامی دیده ام واز طرف کزیم خان عضو سی. آی. دی وآمر ما به باند مولوی خالص معرفی شدم، من وظیفه داشتم که اطلاعات نظامی اعم از موجودیت قوای نظامی، کشف میدانهای هوایی برخورد های مسلحانه اشرار رابا قوای مسلح جمع آوری وبه آنها روان کنم. همچنان من وظیفه داشتم که به اعضای باند مولوی خالص درس های چریکی دهم. من در منطقه بهسود و لایت ننگرهار آمده وباگروپ کوچی مربوط باند مولوی خالص یکجا شده و بعد ها به صفت معاون او تعیین شدم ودر عملیات های مسلحانه علیه دولت سهم می گرفتم، که به طور مثال امسال پایه های برق را تخریب کردم.

همچنان اطلاعات راخودم واز طریق اعضای گروپ جمع آوری کرده و توسط افراد مطمین به دفتر سی. آی. دی. در پاکستان روان می کردم که در مقابل، برعلاوه معاشاتم برایم بخشش نیز روان میکردند. هم چنان من به اعضای باند خالص که در بهسود بودند تعلیمات نظامی مثل استعمال سلاح، پرتاب بمب دستی، تاکتیك های نظامی و جنگی را یاد میدادم تا اینکه؛ توسط قوای امنیتی افغانستان دست گیر شدم. در همین مدتی که در باند مولوی خالص در بهسودبودم من چند تن از اعضای ملیشه راکشته و چندنفر دیگر آنها را دستگیر نموده و به پاکستان روان کردهام.

در جریان این کنفرانس مطبوعاتی سپس در مورد مشخصات و خصوصیات یکتعداد و سایل تخریبی، مواد کیمیاوی و زهری ویك نوع مواد منفجره مایع که از طریق قلمرو پاکستان و از جانب مقامات سازمان جاسوسی سی. آی. دی پاکستان در اختیار عناصر ضد انقلاب به منظور انجام اعمال تروریستی و دهشت افگنی گذاشته میشود، توضیحات مفصل ارائه گردید.

در میان این وسایل تخریبی دستگاه کوچك رهبری کنندهٔ ماین وانفجار دهنده آن به نمایش گذاشته شده بود که اخیراً از نزد عناصر ضد انقلاب بدست آمده است. این آله قادر است که در اراضی هموار از فاصله پنج تا شش کیلو متر ودر اراضی کوهستانی از فاصله یك ونیم الی دو کیلو متر به تعداد شش ماین را منفجر سازد.

مواد مایع منفجره درنوعیت خود بکلی جدید بود. این مواد قدرت انفجاری فوق العاده بلند داشته و می تواند در ظروف مختلف ودر بوتل های نوشابه جابجا گردیده و با داشتن فیوز نصب شده در داخل آن منفجر گردد. مواد دیگرسه ماده کیمیاوی بود که با ترکیب آن مواد خطرناك کیمیاوی و زهرناك تولید میگردد که از جمله مواد خیلی خطرناك مسموم کننده محسوب میگردد.

در پایان کنفرانس مطبوعاتی پس از آنکه پرده ازروی جنایات ومداخلات بیشرمانه ورذیلانه سازمان جاسوسی سی. آی. دی و گماشتگان آن در امور داخلی افغانستان ودر انجام اعمال تروریستی ودهشت افگنی بر داشته شد واعمال ننگین آن محکوم گردید، اعلامیه آژانس اطلاعاتی باختر در این رابطه توسط رئیس کمیته دولتی آژانس اطلاعاتی باختر قرائت گردید. که در بخش آن چنین آمده است:

رژیم وابسته به امپریالیزم جنرال ضیا در پاکستان بیش از پیش در کارزار کثیف ضد افغانی آلوده میشودو در راه خطرناك تعمیق وابستگی به امپریالیزم ایالات متحده در جنگ اعلام ناشده برضد جمهوری دموکراتیک افغانستان هرچه سریعتر به پیش میرود.

رژیم نظامی حاکم بر پاکستان بر خلاف منافع خلقهای پاکستان و منطقه وبرخلاف تمام موازین قبول شده بین المللی قلمر وخود را به تخته خیز تجاوز ارتجاعی وامپریالیستی علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان و مرکز اصلی جنگ اعلام ناشده بر ضد وطن، انقلاب ومردم ما مبدل کرده است.

قلمرو پاکستان منبع عمده تسلیح ضد انقلاب افغانستان با عصری ترین سلاح ها و مهمات میباشد. سیل سلاح های مرگبار، برای قتل و آدمکشی وآتش سوزی از طریق قلمرو پاکستان و به کمك مستقیم حکومت پاکستان بداخل کشور ما سرازیر میشود. پاکستان همچنان به مرکز اصلی جنگ روانی وتبلیغاتی برضد افغانستان مستقل ومردم آزاده آن مبدل شده است. پاکستان بر خلاف تمام موازین بین المللی ایستگاه های رادیویی ضد افغانی و چاپخانه های متعددی را برای نشرات خاینانه وسراپا دروغ بر ضد افغانستان در خاك خود اجازه داده و آنرا به کمك ایالات متحده امریکا ومستقیماً تحت نظر سی. آی. ای تمویل ورهبری میکند.

اردوی پاکستان تحت نظر سی. آی. ای نه تنها به حیث کمك کننده، سازمان دهنده و تربیت کننده فعال باند های ضد انقلاب افغانستان عمل میکند، بلکه در این اواخر در داخل قلمرو کشور مستقل و صاحب حاکمیت مایکجا با باندهای ضد انقلابی فعالانه درجنگ باقوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان سهم میگیرد.

دستگاه جاسوسی مخوف وستمگر رژیم جنرال ضیاء سی. آی. دی وتمام شبکه های شیطانی آن اکنون به شبکه یی از سازمان جاسوسی ایالات متحده امریکا، (سی.آی.ای) در منطقه مبدل گردیده است و یکجا باسی.آی.ای مسوول تمام اعمال خرابکارانه در منطقه میباشد.

سازمان جاسوسی پاکستان علاوه بر سرکوب خشن خلق پاکستان عملا در تمام توطئه ها برضد کشور های صلحدوست منطقه دخیل است.

بر اساس شواهدو اسناد موثق، سی. آی. دی وشعبات متعدد آن به خصوص شعبه خاص، سپیشل برنچ وشعبهٔ جاسوسی نظامی (میلیتری انتلجنس برنچ) نه تنها مستقیما در تجهیز، سازماندهی و تربیت باند های آدمکش ضد افغانی حصه دارند، بلکه جواسیس خود رایکجا با باند های ضد انقلاب بداخل کشور مستقل وآزاد ما میفرستند. تاکنون ده ها جاسوس پاکستانی حین انجام فعالیت های خرابکارانه جاسوسی در قلمرو کشورما بدست قوای امنیتی جمهوری دموکراتیک افغانستان گرفتار شده اند.

شواهد و اسنادی که تازه بدست آمده نشان میدهد که سازمان های جاسوسی پاکستان در ارتباط مستقیم با سی. آی. ای و تحت هدایت مستقیم آن فعالیت های خرابکارانه جاسوسی خودرا علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان، تشدید بخشیده اند.

آنها هر چه بیشتر جواسیس خودرا بداخل کشور ما میفرستند و فعالانه تر در فعالیت های تخریبی بر ضد کشور ما دست میزنند، ودر تمام اعمال ضد انقلابی علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان ردپای شان دیده میشود.

رژیم نظامی جنرال ضیاء باید بداند که این بازی با آتش فقط خودش را خواهد سوخت، خلق افغانستان نه از این آتش بازی ها می ترسند و نه از راهی که بر گزیده اند بر میگردند.

خالد حافظ

●

ازچپ به راست موسی کلیم، ساجد حسین وفضل الرحمن سه تن جواسیس و تروریستان سازمان جاسوسی سی.ای.دی پاکستان که توسط نیرو های امنیتی بیدار کشور مادستگیر و به پنجهٔ قانون سپرده شده اند.



اخبار خارجی

اعلامیه جمعیت ـ العلمای خیبر ایجنسی

جمعیت العلمای خیبر ایجنسی اعمال ددمنشانه رژیم جنرال ضیاء را دربرابر مردمان قبایل محکوم کرده و طی اعلامیه از تمام اقوام و قبایل آزاد مومند افریدی، باجور، شینوار، اتمانخیل، و ملا گوریو خواسته است تا در برابر شر و فساد رژیم دست نشانده امریکا و انگلیس که خواستهای مردم زحمتکش پاکستان را زیر پا نهاده چون یك مشت آهنین باشند.

درین اعلامیه آمده است: رژیم ضیاء به پیروی از هدایات باداران انگلیسی و امریکایی خود روز تا روز در مناطق سرحدی قبایل آزاد شر و فساد و بی اتفاقی می اندازد و ازین دسایس شوم حکومت جنرالان پاکستان قبایل آزاد شینوار افریدی اتمانخیل آگاهی کامل دارند.

جمعیت العلمای خیبر ایجنسی از تمام اقوام قبایل آزاد می طلبد که طرح های جنرال ضیاء را که از باداران امریکایی و انگلیسی خود دستور میگیرد تا با ایجاد شر وفساد در مناطق سرحدی بین قبایل آزاد که تا اکنون هم ادامه دارد خنثی سازند.

در اعلامیه علاوه شده در نتیجه این اعمال شوم جنرالان نظامی در جرگه قومی مومند حاجی محمد حسن شهید شده و در اثر فیر های توپ برخانه ملك ولی خان کوکی خیل ده نفر و همچنان پنج نفر دیگر از قوم کوکی خیل به شهادت رسیده اند صدها دکان ویران گردیده که دراثر آن صد ها هزار روپیه به مردم قبایل خساره وارد گردیده است.

مداخلات رژیم ضیاء در منطقه با جور هنوز هم ادامه دارد.

جمعیت العلمای خیبر ایجنسی طی اعلامیه از تمام قبایل آزاد سرحدی خواسته است تا درمقابل این مداخلات و شر و فساد رژیم خودکامه ضیاء از بی اتفاقی اجتناب کنند. اعلامیه از قبایل آزاد سرحدی مومند باجور، افریدی، شینوار، اتمانخیل و ملاگوری می طلبد که با حس وطن پرستی و ایمان کامل به پیروزی در برابر دسایس شوم حکومت جنرالان یك مشت و یکپارچه باشند. اتحاد و همبستگی یگانه راه کامیابی شان در مقابل این اعمال ننگین رژیم ضیاء میباشد.

دستگیری رهبران پیپلز پارتی

به گزارش منابع خبری بین المللی مخدوم خالق الزمان یکی از رهبران برجسته پیپلز پارتی پاکستان در ایالت سند از طرف مقامات رژیم نظامی پاکستان زندانی گردیده است.

خالق الزمان مصروف ترتیب و تنظیم مراسم تدفین شهنواز بوتو پسر ذوالفقار علی بوتو صدراعظم اسبق پاکستان بود که نیمه شب منزلش از جانب پولیس مسلح رژیم اسلام آباد محاصره گردیده و دستگیر شد.

وی ماه گذشته بعد از یك ونیم سال حبس از زندان رها شد.

همچنان صادق عمرانی، زاهد حسین همراه با دونفر دیگر از رهبران پیپلز پارتی به اتهام پناه دادن به یك سیاستمدار برجسته ازطرف مقامات نظامی پاکستان از پنج الی ده سال حبس با اعمال شاقه محکوم گردیده بودند.

شهنواز بوتو سه روزقبل در فرانسه وفات نموده است.

آتش باری متقابل

نیرو های بحری عراق بر تاسیسات نفتی ایران در بخش شمال شرقی حوزه خلیج ضربه زده اند که طی آن چار دستگاه تولید و یك ذخیره نفتی آن آتش گرفت.

به گزارش قوماندانی عالی نظامی عراق جنگنده هاو هلیکوپتر های عراقی اضافه از چهل ماموریت جنگی را در بخش های مختلف جبهه نبرد انجام داده و چندین دیپوی سلاح و تاسیسات انجنیری ایران را تخریب کرده اند.

همچنان سربازان عراقی تهاجم قطعات عساکر ایرانی رادر بخش جنوبی جبهه عقب زده اند.

قوای توپچی ایران بر شهر های مندلی و مواضع عراق آتشباری کرده اند.

به گزارش آژانس خبری ایران نیرو های قوای هوایی ایران یك طیاره عراقی را در ساحه شهر ارومیه سقوط داده اند.

باختر

پایان گردهمائی سازمانهای اجتماعی

گردهمآیی سازمان های غیر حکومتی پریروز با تعهداتی به خاطر صلح، امحای رژیم منفور اپارتاید، استعمار و استعمار نو در نایروبی مرکز کشور افریقایی کینیا پایان یافت.

فریده براون رئیس فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان از تمام مردمان دارای حسن نیت جهانی خواست تا در مبارزه زنان به خاطر صلح و حقوق بشر اشتراك نمایند.

نماینده کمیته زنان اتحاد شوروی درین گردهمآیی بزرگ یادآور شد که مذاکرات متعدد میان زنان اتحاد شوروی وایالات متحده امریکا درین اجتماع بسیار با ارزش و مفید بوده است.

باختر

اخبار خارجی، واقعیت‌ها، حوادث

اعلام حالت اضطراری

پیک بوتا رئیس رژیم نژادپرست افریقای جنوبی حالت اضطراری را در سی وشش شهر افریقای جنوبی اعلام داشته و به پولیس آن رژیم قدرت بیشتر داده تا قیام های مردم راسرکوب نماید.

پولیس رژیم نژادپرست افریقای جنوبی صلاحیت توقیف مردم را بدون ارائه دلیل احاصل کرده است.

ده ها هزار نفر روزانه در تظاهرات گسترده در افریقای جنوبی شرکت می نمایند که در اعتراض علیه سیاست های تبعیضی واپارتاید نژادپرستان افریقای جنوبی براه انداخته میشود.

باختر

عدهٔ از جوانان کشور های خارجی بخاطر استقبال شایسته از دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان ومحصلین در یکی از فارم های زراعتی اوکرائین اتحادشوروی به کارهای داوطلبانه پرداخته واین کارداوطلبانه نمرا به نفع صندوق فستیوال انتقال میدهند عکاسی ا.پی.ان

تبصرهٔ ما

مفهوم امریکایی «حقوق بشر»

به اصطلاح ((نقض حقوق بشر در کشور های سوسیالیستی)) یکی از حربه‌های کهنه عوام فریبانه غرب وامپریالیزم است که ادارهٔ واشنگتن به‌نیابت ازجهانخوار ترین انحصارات غرب هرچند گاه یکبار بدان توسل می جوید. با نزدیك شدن‌دهمین سالگرد امضای موافقت نامه هلسنکی آکنون باردیگرشاهد موج جدیدی از این تهاجم فرومایه میباشیم. به اشاره واشنگتن درین روز ها ماشین تبلیغاتی«امپریالیزم اطلاعاتی» فعال تر گشته وهر فرصتی را برای سرازیر کردن سیل اتهامات نا روا علیه اتحاد شوروی، دیگر کشور های سوسیالیستی و سایر دول مترقی جهان بخدمت میگیرد.

اخیراً کنفرانس متخصصین در زمینه حقوق بشر دراوتاوا پایتخت کانادا برای بررسی چگونگی وضع حقوق بشردر کشور های مختلف و یافتن‌راه حل هایی برای غلبه بر مشکلات بشر در این زمینه تشکیل گردید. با توطیه حساب شدهٔ امپریالیزم‌ایالات متحده ومتحدین آن در ناتو، هیات های نمایندگی اینکشور هاکه در کنفرانس اوتاوا شرکت نموده بودند تلاش ورزیدند تا کنفرانس را بنمایش جنجالی علیه کشور های مترقی مبدل سازند، ولی تحت فشار محیط حاکم برکنفرانس مجبور گردیدند عقب نشینی نموده ودر موارد چندی به فاکت های غیرقابل انکار در زمینه عدم رعایت حقوق بشر در کشور های امپریالیستی گردن نهند.

هیات نمایندگی ایالات متحده در کنفرانس حقوق‌بشر اوتاوا اعتراف نمود که در جامعه امریکا نژاد پرستی به حیات ننگین خود ادامه‌میدهد. جدید ترین احصاییه هانشان میدهند که در ایالات متحده دستمزد زنان ۵۹ فیصد دستمزد مردان است وهشتاد فیصد زنان مجرد بالاتر از ۶۵ سال در زیرخط ((رسمی فقر)) زندگی میکنند، بهمین دلیل هیات امریکایی مجبور گردید بپذیردکه دربزرگترین کشور امپریالیستی جهان، عدم تساوی زن ومرد پدیده ای دایمی است. آنان همچنین به این حقیقت معترف گشتند که‌تامین حق کار در جوامع غربی همچنان بمثابه یك پرابلم عمده باقی مانده است و تعداد افراد بی‌خانمانی که شبها را مجبور ند در سرکها بگذرانند روبه‌فزونی است. همه جهانیان از موارد متعدد نقض حقوق بشر از سوی امپریالیزم نسبت به کشور های روبه انکشاف وجنایات کمپنی‌های‌امپریالیستی درین کشور ها که تازه ترین نمونه آن کشتار بیش از ۲۵۰۰ نفر از ساکنین بهوپال هندوستان است اطلاع دارند.

یورش علیه‌جنبش صلح یکی دیگر از موارد آشکار نقض حقوق بشر از سوی غرب است. فعالین جنبش ضد جنگ در ایالات متحده، بریتانیا، ایتالیا و المان غرب به محکمه کشیده شده وبرخی از آنان به حبس محکوم میگردند. برای نمونه تعداد دستگیر شدگان زنان قهرمان گرین هام کامون که‌به استقرار راکت های مرگبار امریکایی در سرزمین خود اعتراض نموده انداز مرز ۲۰۰۰ نفر گذشته‌ومجموع تعدادفعالیت ضد جنگ که درطی چهار سال اخیر در انگلستان باز داشت شده اند از ۶۰۰۰ نفر فزون‌تر گردیده.

هر چند نمایندگان کشور های عضو ناتو برای منحرف ساختن کنفرانس حقوق بشر اوتاوا از مسیر واقعی آن تلاش فراوان به خرج دادند ولی با وجودانبوه این قبیل فاکتهای شرم آور، در مقابل نمایندگان کشور های سوسیالیستی که چندین پیشنهاد عملی برای از میان بر داشتن پدیده های‌تنفر انگیز گرسنگی، بیکاری، بی خانمانی ریشه‌کن ساختن نژاد پرستی وتبعیض نسبت به زنان به کنفرانس تقدیم داشتند، چیزی جزلفاظی‌های‌پوچ نداشتند که‌به شنوندگان‌خود ارائه‌دهند.

حسین ناظر

بار قروض کمرشکن

کشور های روبه انکشاف در بحران جدی ناشی از افزایش سرسام آور قروض خارجی شان قرار گرفته اند. فعلا مقدار این قروض به رقم گیج کننده ۱ر۱ تریلیون دالر رسیده واکثریت کشور های آسیایی، افریقایی وامریکای لاتین مجبور گردیده اند، سالانه اضافه از نصف در امد صادرات خودرا در راه پرداخت قروض خارجی کشور های شان مصرف نمایند بر علاوه اضافه از سی کشور روبه انکشاف مجبوراً اعلان نموده اند که توانایی پرداخت قروض خودرا نداشته واز این سبب آنها از کشور های کریدت دهنده‌غرب‌تقاضا نموده اند تادر شرایط‌پرداخت قروض خارجی این‌کشورها تجدید نظر نمایند.

تقریبا تمام کشور های رو به انکشاف با پرو بلم قروض خارجی مواجه‌است درآسیا فلیپین از زمره‌کشور های میباشد که بیشتر با این پروبلم دست و گریبان است. فلیپین بخاطر کاهش بحران اقتصادی کشورخود مجبور شد تا پرداخت قروض خارجی خود رامتوقف سازد. دراین اواخر وضع مالی پاکستان، تایلند اندونیزیا و بعضی ازکشور های دیگر جنوب شرق آسیا نیز به وخامت گرائیده‌است. موافق به محاسبات دقیق مقدار قروض کشور های عضو انجمن جنوب شرق آسیا (اسیان) دراوایل امسال به رقم هفتاد میلیارد دالر رسیده است.

علت اساسی مشکلات جدی اقتصادی که کشورهای رو به انکشاف با آن مواجه اند در چه است؟ نمایندگان رسمی محافل تجاری غرب و بخصوص ایالات متحده امریکا اکثراً سعی ورزیده اند تا علت ایجاد بحران را بصورت عموم در تراکم نامساعد عوامل خارجی (افزایش قیمت نفت مایع، رکود پیهم در جهان سرمایه داری از آغاز سال هشتادبه این طرف) و اشتباهات کشور های رو به انکشاف درسیاست اقتصادی شان توضیح می نمایند. آنها ادعا دارند که تذکر عوامل بالا باعث ایجاد مشکلات در وضع اقتصادی کشور های رو به انکشاف گردیده‌است. لیکن تحلیل و تجزیه عینی اوضاع چنین حکم مینماید که علت اصلی بحران قروض عمیق تر میباشد. این‌بحران تصادفی نبوده و تنها خصلت موقتی ندارد، بلکه در اثر سیاست امپریالیزم ومطابق به مشی استراتیژیك دقیق آن که در جهت تحمیل اشکال جدید اسارت اقتصادی برکشور های‌جهان سوم و تشدید استثمارمردمان این کشور ها قراردارد، آگاهانه ایجاد گردیده است که مسوولیت تشدید بحران قروض درکشور های آسیایی افریقایی وامریکای لاتین مشخصاً به عهده امپریالیزم ودر راس امپریالیزم‌امریکا قرار دارد.

وضع بحرانی را درکشور های رو به انکشاف ویژه‌گی های‌سیاست اقتصادی‌ایالات متحده امریکا ایجاد کرده که کاملا دارای ستمگری دشمنانه بااین کشور ها میباشد. یکی‌از این ویژه‌گی های مهم‌در دهه‌۷۰ و۸۰ظاهر گردید و آن زمانی بود که ایالات متحده امریکا کمك های خود را به این کشورها محدود ساخته وخواست با این اقدام خود کشور های رو به انکشاف را مجبور سازد تا از کمك با شرایط سنگین ((بانك های چند ملیتی)) استفاده نمایند. در دهه شصت دو سوم‌قروض را که کشور های رو به انکشاف بدست می آورند از طریق کشور های غربی تامین میشد. در دهه ۷۰و ۸۰ بانك های شخصی کشور های سرمایه داری به عمده ترین مراکز پرداخت‌قروض به‌این کشور ها مبدل گشت. فعلا این بانك ها سه چهارم تمام قروض کشور های‌روبه انکشاف را در انحصار خود دارند چون شرایط پرداخت این قروض سهل نیست. ازاین سبب قروض مذکور مشکلات معین را در اقتصاد این کشور ها رونما ساخته است. بطور نمونه از سال ۱۹۷۳ تا امروز ربح مفاد این قروض از ۶ر۶ در صد تا ۱۱ در صد بالا رفته وبعضاربح این قروض در حالات بخصوص از ۱۳ تا ۱۵درصد میباشد. مدت پرداخت‌این قروض در فاصله زمان متذکره از ۴ر۱۸ سال به ۴ر۱٤ سال پائین آمده و در بعضی حالات ۴ر۹ سال نیزمیباشد.

در اینجا باید با تاکید از سیاست افزایش روز افزون ربح قروض در دهه ۷۰ و۸۰ امریکا یاد آوری کرد. اداره ریگن با افزایش مصنوعی ربح قروض خود سعی دارد تا بحساب‌دیگران مصارف سرسام آور نظامی خود را تامین نماید. افزایش هر فیصد در ربح قروض ایالات متحده امریکا به کشور های رو به انکشاف ۴ر۳ میلیارد دالر تمام‌میشود. به این ترتیب سیاست ایالات متحده امریکا باعث شده است تا مقادیر زیادی پول از کشور های رو به‌انکشاف خارج‌گردد بطور نمونه این کشور ها از سال ۱۹۷٤ تا ۱۹۸٤ تنها بیش از مبلغ ۵ر۵ میلیارد دالر از بودجه خود را بخاطر افزایش ربح قروض به ایالات متحده امریکا پرداخته اند. شرایط ثقیل قروض کشور های رو به انکشاف را مجبور گردانیده است تا مقدارزیادی هزینه های خدماتی خود را در پرداخت به ربح قروض به مصرف برسانند. بطور مثال از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۳ این کشور ها مبلغ ۹۶ میلیارد دالر‌را در این راه مصرف نموده اند. در ربح قروض ایالات متحده امریکا به‌کشور های روبه انکشاف‌نیز منظماً افزایش رونما گردیده است.

در عین زمان کشور های امپریالیستی در ساحات تجارت بین المللی نیز فشار وارد مینمایند تا این کشور ها نتوانند از در آمد اسعار خارجی خویش در پرداخت قروض خود استفاده نمایند. کشور های رو به انکشاف خسارات مالی زیادی رادر اثر پائین آمدن قیم موادو سایر اشیای صادراتی نیز ازآغاز دهه هشتاد متحمل گردیده اند. در سال های ۱۹۸۲ و۱۹۸۳ در قیمت اشیای صادراتی این کشور ها آنقدر کاهش رونما گردیده که قیم اشیاء مذکور در سطح سال های ۱۹۵۰ قرار گرفت. در اثر کاهش قیم کشور های رو به انکشاف از سال ۱۹۸۲– ۱۹۸۳ مبلغ ۲۱–۲۵ میلیارد دالر خساره مند گردیده اند.

چندی قبل در کنگرس‌ایالات‌متحده امریکا مسودهٔ قانون تنظیم گردید که دران محدودیت هایی در ورود مواد خام، منسوجات‌وسایر اشیای کشور های رو به انکشاف وضع شده است. اگر این قانون تصویب‌گردد، در آنصورت در آمد هندوستان از مدرك صدورمنسوجات به ایالات متحده امریکا از رقم ۳ر۳ میلیارد دالر به رقم ۹۷۰ میلیون دالر پائین خواهد آمد. البته خسارات زیادی دراثر تصویب این قانون به فلیپین، هانکانگ، جنوب کوریا و سایر کشور های آسیا که تجارت مواد خام ومنسوجات را باامریکا دارد، وارد میگردد. در مسوده قانون مذکور همچنان فسخ‌تعهدات امریکا بایك تعداد از کشور های جهان که با امریکاتجارت متساوی دارند نیز در نظر گرفته شده است.

به‌این ترتیب باید متذکر شد که پروبلم های ناشی‌از قروض خارجی کشور ها را صرف از طریق تجدید نظر در ساختار موجوده مناسبات بین المللی پولی که در اساس آن تساوی حقوق، عدالت و لغو کامل دیکته کشور های امپریالیستی نهفته باشد، میتوان حل و فصل کرد.

اما کشور های امپریالیستی ودر راس ایالات‌متحده امریکا واضحاً تمایلات ضد منافع مردمان کشور های رو به انکشاف را نمایش داده و موضعگیری دشمنانه رادر برابر توسعه منابع انجمن بین المللی انکشاف اتخاذ کرده است.

امروزدرکشورهای روبه‌انکشاف تقاضاهای ختم دیکته‌غرب، لغو هر چه زود تر استثمار امپریالیستی و مراعات عدالت و تساوی حقوق بین کشورها با صدای بلند تکرار میگردد، که مسلما تحقق این خواسته ها راه منطقی حل بحران موجود قروض خارجی کشور های رو به انکشاف تلقی میگردد.

نوشته از ل. کلوچکوفسکی داکتر علوم اقتصاد
ترجمه: نجیب‌زمریالی

سیاست های آزمندانه امپریالیزم وضع مالی کشورهای روبه انکشاف‌راسخت‌مغرر میسازد

حملات وحشیانه اسرائیل

قوای توپچی اسرائیل در بیست‌و چار ساعت‌گذشته بر محلات پر نفوس‌در جنوب لبنان آتشباری کرده‌اند.

سه کشتی اسرائیل روز جمعه به سواحل لبنان در منطقه صیدا نزدیك شده و تلاش کردند تا عساکر اشغالگر رادرآنجا پیاده‌سازند. وطن پرستان لبنان‌براین کشتی ها آتشباری کرده و آنها را به عقب نشینی مجبور ساختند.

عساکر اشغالگر اسرائیلی و مزدوران آنها تعداد زیادی از مردمان ملکی رادر جنوب لبنان توقیف نموده اند. محاصره قریه های قنطارا، دیر سریان، طیباو ادیشت دوام دارد.

جریان آب و برق برای مردمان این قریه ها قطع ساخته شده ومردم آنجا با کمبود شدید مواد خوراکه روبرو اند.

طبق یك خبردیگررزمندگان جبهه پایه داری وطن پرستان لبنان بر مواضع عساکر اسرائیلی و مزدوران آنها در بخش مرجعیون حمله نموده اند.

یك گزمه اسرائیل بامانینی که توسط مبارزین گذاشته شده بود در نزد یکی قریه اناتا اصابت کرده که طی آن تلفات جانی و خسارات مالی به اسرائیلیان‌و همدستان آنها وارد شده‌است.

از تیلی تایپ

ادیسه بابا

ژاویر پریز دو کویلار سر منشی سازمان ملل‌متحد اظهار داشت که‌موجودیت‌رژیم نژاد پرست افریقای جنوبی عامل عمده بی ثباتی در افریقا می باشد.

وی ضمن سخنرانی در بیست و یکمین جلسه سران اعضای کشور های سازمان وحدت افریقا که در ادیسه‌بابا جریان دارد تجاوزات رژیم پریتوریا را علیه کشور های مستقل همسایه تقبیح کرد.

پیرو

نخستین جلسه جوانان امریکای لاتین پریروز در پیرو مرکز لیما گشایش یافت.

در این جلسه چارصد نماینده از هجده کشور قاره امریکا بشمول کیوبا و نیکاراگوا و همچنان نمایندگان یکتعداد کشور های اروپایی و آسیایی اشتراك ورزیده اند.

نیکوسیا

یونانی زبان های قبرس به همکاری خود با سرمنشی ملل متحد در مساعی برای دریافت راه حل سیاسی مساله قبرس ادامه‌خواهند داد.

این مطلب را سپیرو سکپیز یاند و رئیس جمهور قبرس طی سخنرانی دریك گردهم آیی سراسری قبرس که‌به یازدهمین سالگرد تجاوز عساکر ترکیه به آن جزیره اختصاص داشت اظهار کرد.

پراگ

هفته همبستگی با انقلاب ساندینست نیکاراگوا با اجرای برنامه های فرهنگی جهت تجلیل از ششمین سالگرد انقلاب نیکاراگوا در پراگ پایان یافت.

هیات های سازمانهای محصلان خارجی در چکوسلواکیا بیانیه های ایراد نموده و از مبارزه قهرمانانه مردم نیکاراگوا علیه ضد انقلاب آنکشور حمایت نمودند.

واشنگتن

طبق اظهار یك نطاق‌وزارت خارجه ایالات متحده امریکا در مذاکرات میان جورج شولتز وزیر خارجه ایالات متحده امریکا و صاحبزاده یعقوب خان وزیر خارجه‌رژیم نظامی پاکستان در واشنگتن هر دو جانب دورنمای همکاری نظامی و اقتصادی‌دو کشور را در چارچوب موافقتنامه پنجساله که در سال ۱۹۸۱ به امضاء رسیده مورد بحث قرار دادند.





● دست واندیشه هنرمند مینیاتور به جنبه های ظریف پدیده ها توجهٔ خاص دارد ازین رو برس او با حوصلهٔ بسیار از دل رنگ ها می گذرد تا با خلاقیت خویش نوازشگر چشمهای ما باشد.
عکس: نوریه مینا توریست کورس غلام محمد میمنگی .

● بخش پشتوی تمثیل وتیاتر رادیو تلویزیون ج.د.ا، تا کنون آثار جالب توجهی به مردم عرضه نموده اند . آثاری که انقلاب و دفاع مردم از آن، گوهر و هستهٔ اساسی آن بوده است. ما برای هنرپیشه گان بخش پشتوی درام و تمثیل رادیو تلویزیون توفیق و پیروزی آرزومیکنیم.

سیری در مینیاتور

مینیاتور در لغت به معنی کوچکتر نشان دادن و در اصطلاح نقاشی ظرافت وریزه کاری است ، و پژوهنده گان، مهد ایجاد این هنر ظریف را خاور زمین دانسته اند . در دوران صفاریان، سامانیان ، طاهریان ، غزنویان دست اندرکاران هنر نقاشی مینیاتور را در نظر داشت روحیه اسلام این هنر را به سوی تذهیب ظرافت کاری و خوشنویسی کشانیده و تجددی را در هنر نقاشی به وجود آوردند . علایم چنین نقاشی را ازخطوط کوفی روی کتیبه هاو سنگ های گورستان در عهد غزنوی و نقاشی مینار جام درغور می‌توان دریافت .

بنا بر آن اصالت هنری این دوره را می توان بنام مکتب هنری ما قبل سبک مغولی پذیرفت .

در اثر تکامل و تحول زندگی انسانی ، هنر نیز تغییر می پذیرد ، در نتیجه چنین تحول هنری است که سبک جدید هنر مینیاتور با بالنده گی بیشتر از گذشته جا نشین سبک کهن هنر مینیاتوری یعنی مکتب ماقبل مغولی میگردد .

البته این تحول‌هنری همزمان با گسترش نیرومندی تیمور آغاز یده تا عهدشاهرخ میرزا می رسد . پایه گذار آن احمد بن موسی است که بعد از کسب آموزش در چین در میهن خویش عودت نموده سبک هنری جدید (مکتب مغولی) را پی ریزی می نماید هرات پایتخت شاهرخ میرزا نقش چهار راه بزرگ تجارتی را بین ماورا النهر ایران ، چین ، هند و اروپای غربی و روسیه داشت .

در نتیجه چنین روابط اقوام مختلف ـ آمیزش های فرهنگی و هنری بین مردمان سرزمین های مختلف در این شهر بوجود آمده و توام با روحیه هنر دوستی و فضل پروری اولاد ها و نواده های تیمور از سوی دیگر ، زمینه بروز مکتب مینیاتوری هرات را با خصوصیات مختص به خودش ، که مایه های از مکتب مینیاتوری‌مانی مغولی را به خود نیز دارد بیش از پیش مساعد ساخت و فرهنگ ـ هنر با چنان نقطه اوج جمال و کمال رسید کمایه مباهات عظیم تاریخی برای مردم وسرزمین ما شد . بابر ، حین ورود به این شهر ـ توصیفاتی زیادی از پیشرفت هنری آن بعمل آورد و جا می تعریفات او را در رشته ای شعر این چنین آراسته است .

منزلی خوش خانه یی دلکش مقامی دلکشا ست
ساقی گل چهره راگو مطرب خوش گو کجا ست
این همه نقش عجب برسقف دیوارش پدید
وصف صورت خانهٔ چین بعد ازین کردن خطاست

مکتب مینیاتوری هرات‌به دو دوره تقسیم شده است : نخستین دوره‌آن مربوط است به دوره شاهرخ میرزا فرزندان و اقارب هنر پرور او چون ابراهیم سلطان و اسکندر بن عمر شیخ، باسینقر میرزا که بعد ازجمع آوری چهل تن از نقاشان، مهندسان نگارستان‌بزرگی را ایجاد می نماید . نرمی، لطافت و هم آهنگی رنگ‌های آبی‌و طلایی وطبیعی نمایاندن حرکات آدم‌ها ازخصوصیات هنری این دوره میباشد .

دوره ثانی رشد هنر مینیاتوری عصر سلطان حسین بایقرا ووزیر دانشمند ش علی شیر نوایی بوده که‌باطلوع آفتاب وجودهنرمند شهیر زمان کمال الدین بهزاد نقاشی ، معماری، تجلید تذهیب و مینیاتوري به قله های شامخ پیشرفت و ترقی ، سیر،کرده تعمیر کاشی کاری و مینیاتوری روضه مزار شریف، مصلای هرات ، مسجدخواجه پارسا در بلخ‌نمونه ازپیشرفت دوره هنری سلطان حسین و بهزاد میباشد .

بهزاد در هنر مینیاتوری خویش بیشتر از رنگ های سرد، مانند سرمه یی، سبز تیره ، فیروزه سبز روشن، زرد ، قهوه یی حتی ازطلاونقره ، حداکثر استفاده‌را نموده است . درستی و دقت کامل در خطوط تصاویر نمایاندن وضع چهره و قیافه مفهوم‌بودن اشارات، تصاویر، ظرافت در کشیدن پدیده‌های طبیعت و تنوع رنگ خصوصیاتی است که سبک بهزاد را از سایرمکتب های مینیاتوری مشخص میسازد .

غلام محمد میمنه گی هنرمند فرهیخته سده نزدهم و اوایل سده بیستم چراغ مینیاتور و سنت بهزاد را در میهن ما روشن نگاهداشت ، که‌به پاس کار هایش امروز کانونی رابه نامش زینت بخشیده اند .

عبدالمطلب

گزارشها

* هنرپیشه گان کابل تیاتر سر گرم تمرین‌نمایشنامه ((حماسه مادر)) اثر برتولت برشت اند . قرار است آنها در آینده های نزدیک این نمایشنامه جالب را در صحنه کابل ننداری نمایش دهند .

* تیاتر ملی بوداپست مرکز هنگری به این تازه گیها نمایشنامه ((بولیچف و دیگران)) از ماکسیم گورکی را آماده نمایش نموده است .

* چندی پیش گروه مشهور رقص کلاسیک المان فدرال نمایشات خود را در شهر مسکو پایان دادند . از رقص های جالب این گروه هنری هزاران تن شهروند مسکو دیدن نمودند .

هنر و زنده گی

ممثل وکمیدین سرشناس

نشستی با استاد رفیق صادق



استاد رفیق صادق ممثل و کمیدین سر شناس تیاتر کشور ماست . او تمام‌عمرش را با تیاتر زیسته است وچی بسیار نقش های که به بازی اودر صحنه زنده‌گی‌یافته اند.

از اینرو برای شناسایی او نیازی به مقدمه احساس نمی شود . در این شماره پای صحبت او می نشینیم و چند گپ ، خاطره و تجربه اورا برای خواننده‌گان به نشر میرسانیم .

ـ خوب استاد ، تا جایی که دیده ایم بسیاری از هنرمندان پیش کسوت تمثیل‌در کشور ما بیشتر با جان خسته و جامه پاره پاره به شهر بی رونق و رو رفته تیاتر ما پا گذاشته اند . واز گفتگو با آنها این سخن فردوسی در ذهن آدم‌تداعی میشود :

چواین داستان سربه‌سربشنوی
به آید تراگر بدین نگروی

شما با کدام جان و جامه وارد سرای تیاتر شدید ؟

استادصادق : من‌از آوان‌کودکی به تمثیل علاقه داشتم . در طفولیت یک‌تروپ خانواده‌گی نمایش ساختیم . در محافل و جشن های خانواده خودبه نمایش پیس های انتقادی‌و کمیک میپرداختیم . به وسیله گدی ها نمایش رااجرا میکردیم .

در سال ۱۳۲۵ـ ازکهدامن به کابل آمدم و پس از فراغت از مکتب در مؤسسه مرستون شامل کار شدم . در مکتب نیز در نمایشات تیاتری سهم میگرفتم. ازسال ۱۳٤٦ تاکنون در رادیو و تلویزیون کار میکنم .

ـ در آن هنگام نمایش و تیاتر در چی حالتی قرار داشت ؟

رفیق صادق : رونق تیاتر نسبتاً وضع خوبی داشت . ما بیننده گان دایمی و معین داشتیم . بیشتر بیننده گان ما ازطبقات متوسط و اشخاصی بودند که در سطح متعالی سواد قرار داشتند .درسال ۱۳۳۳ با رفتن استاد لطیفی ازکشورتیاتر مرستون‌نیزسقوط نمود. ووقتی استاد باز به وطن بر گشت تیاتر پشتو را در کابل اساس گذاشت، من بحیث مدیر مسوول و دایرکتر آن توظیف شدم . در سال ۱۳۳۷ ریاستی بنام کمیته حمایت اطفال اساس گذاشته شد و من در آنجا نخستین نمایشات تیاتر کودک را در آنجا آغازکردم .

ـ شما بیشتر در نقش های کمیک ظاهر شدهٔ اید و ازینرو مردم شما را بحیث یک کمیدین ممتاز می شناسند. چرا کمیدی رادر نمایش بر گزیدید ؟

استاد صادق : به نظر من کمیدی سریع ترین وموثر ترین وسیله بردن پیام به هنر پذیر یا بیننده تیاتر است . بیننده پیامی را که از راه کمیدی آفریده شده باشد با اشتیاق می پذیرد . من نقش های اول نمایشنامه های چون ((طبیب اجباری)) اثر مولیر ، « دو محجوب» از اوژن لابیس ،((مردی که زنش گنگ بود)) از فرانسوا رونالد ((طلبگار)) اثر چخوف و مفتش و شنل آثار گوگول و کمیدی های استادان : لطیفي و برشنا را تاکنون بازی نموده ام .

ـ در تالار های تیاتر یونان به قول شوپنهاور زنان را نمی گذاشتند تا از نمایش دیدن نمایند . زیرا در برابر زن بد بینی وجود داشت و کهتر پنداشتن آن در سرتا سر جامعه تسری یافته بود . در کشور ما نیز صحنهٔ تیاتر برای سالها از وجود زن بی بهره بود . و مردان ناگزیر در نقش زنان ظاهر میشدند . آیا گاهی شما هم در نقش زن بازی نموده اید ؟

استاد صادق: نه من هیچگاه در چنین نقش به صحنه‌ظاهر نشده ام .

نخستین زنانی که با چادری وداع کردند و به تیاتر پناه آوردند حبیبه عسکر ، روح افزا ، نجیبه دینا ، رابعه ، افسانه و .... بودند.

ـوقتی در روی صحنه تیاتر یا پرده تلویزیون نامی و گپی از شما بلند شود ، شادی و ذوق در پیشانی بیننده گان ناخود آگاه‌نقش می بندند . زیرا شما سالها برایشان خنده آفریده اید . آیا برای خود هم گهگاه میخندید ؟

استاد صادق : زندگی من از خاطره های تلخ واندوهگین سرشار است . کمتر مجال یافته ام برای خود هم بخندم. باری نقش ((شوهر بدگمان)) اثرمولیر را بازی میکردم که‌خبر مرگ پدرم را برایم آوردند ومرگ مادرم را نیز در روی صحنه شنیدم . صحنه راترک نکردم و با دل پر خون و سوگوار مردم را خندانیدم. شش اولاد دارم . دو پسرم سرباز اند و وقت فراغت و روز های رخصتی را باکنده کاری چوب و ساختن ابزار کوچک تزینی از چوب میپردازم .

من به‌سخن فرزانه یی یک تخته چوب و دوممثل را تیاتر می نامم ، و آرزوی یگانه من رونق و پیشرفت تیاتر در کشور ماست .

ازاینکه حال و احوال مرا گرفتید از شما و روزنامه شما سپاسگزارم .

ستاک

نی و نینواز

همه آواز خوانان، آهنگ سازان، هنرمندان واستادان موسیقی ما هم آوازندکه درمیان همه ، نینوازاستعدادی شگرف و ذوق لطیف داشت.

فضل احمد ذکریا معروف به‌نینواز ازهنرمندانی است که در میان هنروران با ابتکار و سلیقه ویژه درخشیده و هنرمندان چندی‌را به شهرت وافتخار رسانید.

نینواز درسال ۱۳۱۵ دریکه‌توت کابل زاده شد ، لیسه استقلال و فاکولته حقوق و علوم سیاسی را بپایان برد و مشاغل حساس دولتی را بعهده داشت .

پرداختن او به موسیقی از آوان آموزش اودر مکتب می آغازد درمیله های صنفی، در حلقه دوستان و همسالان تا آنکه در جملهٔ شاگردان استاد هاشم در آمد .

استاد هاشم نه تنها فضل احمد را با تبله آشنا ساخت ، بلکه رموز دقایق دنیای شگفتی آور موسیقی را بر او آشکار نمودونینواز گذشته ازان پنجاه تاشصت راگ رانیز فرا گرفت .

نینواز از همان آغاز با رادیو همکاری داشت .

او شاگردان چندی را پرورده ساخت و بر سکوی شهرت و افتخار فراز آورد. که از جمله استاد مهوش ، و احمد ظاهر را میتوان نام برد.

نینواز معروفترین آهنگ های ده سال پیش را در رادیو ساخت .

ودر سال ۱۳۵۷همکاری خود را با دیپارتمنت موزیک اکادمی خارندوی آغاز کرد یکی از ویژه گی هایی که کار نینواز را بعنوان یک هنرمند ارج می گذارد، این است که او هیچوقت هنرش را بسادگی و بسان متاعی‌به بازار نکشانید ، او در مجموع برای هنرمندان و برای آواز خوانان رادیو ، بیش از ششصد آهنگ ساخت .

سرانجام این هنرمند را دست سیاه امین بسان گلی از شاخه چید و پرپر کرد .

با نبود نینواز امروز کارکرد های او آهنگ وکمپوز های او گوش های ما را می نوازد .

یادش گرامی باد

ع ـ شکوهی



چهار دهمین جشنواره بین‌المللی فلم که تحت نام «هنر سینما برای صلح و دوستی‌میان ملل» در مسکو برگزار شده بود، شاهد هنر نمایی‌هنرمندان بسیاری ازکشور ها بود .

«ویدژیه لاشلی ساخیگیخ»از هنرمندان جوان سینمای هند است که دراین جشنواره‌با هنر نمایی خویش‌تحسین همگان را بر انگیخت .

زیر نظر هیئات تحریر
مدیر مسوول :صدیق کاوون